



مولتی پلاس +
پل ارتباطی توسط مولتی پلایرهای
مهاجر

همراه

بودن

کتاب راهنما

برای مربیان

و

مولتی پلایرها

در

آموزش

سیاسی



Co-funded by the
Erasmus+ Programme
of the European Union

آشنایی با پروژه +MultiPLUS

پروژه **+MultiPLUS** یک پروژه توسعه ترنس اروپا است که با همکاری کمیسیون اتحادیه اروپا تأمین مالی می شود و با مشارکت سازمان های اروپایی در پنج کشور اتریش، ایتالیا، اسپانیا، اسلوونی و دانمارک اجرا می شود. هدف کلی پروژه **+MultiPLUS** بهبود ارتباطات محاوره ای به عنوان یک راه موثر برای ساخت **پل ارتباطی** بین جامعه اکثریت و جوامع اقلیت در اروپا است. بنابراین، هدف این پروژه کمک به یکپارچگی اجتماعی مهاجران و جامعیت فرهنگی اجتماعی از طریق ایجاد:

پروژه **+MultiPLUS** یک پروژه توسعه فراروپایی است که با مشارکت سازمانهای اروپایی در پنج کشور اتریش، ایتالیا، اسپانیا، اسلوونی و دانمارک اجرا میشود و توسط کمیسیون اتحادیه اروپا تأمین مالی میشود. هدف کلی پروژه **+MultiPLUS** بهبود روابط گفتاری به عنوان راهی کارآمد برای ساختن پل های ارتباطی در جوامع اکثریت و اقلیت در اروپا است. بنابراین، این پروژه با هدف کمک به یکپارچگی اجتماعی مهاجران و تمامیت اجتماعی-فرهنگی از طریق ایجاد:

- روشها و ابزارها برای ارتباطات گفتاری در جوامع مهاجر
- آگاهی در جامعه در مورد منابع، نیازها و الزامات در جوامع مهاجر
- آگاهی در جوامع مهاجر نسبت به ارزشهای اجتماعی مانند حقوق بشر، دموکراسی و مشارکت، شهروندی برابر، حاکمیت قانون و آزادی.

در پروژه MultiPLUS، این اهداف از طریق سه فرایند توسعه مرتبط و برنامه های آموزشی حاصل شد:

به عنوان گام اول، هر سازمان همکار، به منظور بررسی نیازها و ضروریات لازم برای آموزش در زمینه روشهای ارتباطی و ابزار محاوره ای، در بین مولتی پلایرهای مهاجر تجزیه و تحلیل نیازها را انجام دادند که بتواند آنها را به عنوان سازندگان پل ارتباطی و به عنوان میانجی در جوامع مهاجر محلی خود آماده کند. سازمان همکار بعد از تجزیه و تحلیل نیازها، یک دوره آموزش ارتباطی ویژه برای مولتی پلایرها ها ارائه کرد.

به عنوان گام پیگیری بعدی، مولتی پلایرها در هر کشور برای بدست آوردن وثبت تعداد زیادی از روشهای عملی، ابزار و تمریناتی که باید برای گفتگو در جوامع مهاجر مورد استفاده قرار گیرد، در کارگاه های روش مند نقش فعالی داشتند. تمام توصیفات روشمند در یک چکیده یا **TOOLBOX** گنجانده شده است.

به عنوان گام سوم، مولتی پلایرها در کارگاه های آموزشی سیاسی شرکت می کنند، که در زمینه چگونگی برقراری ارتباط در مورد مسائل انسانی و اجتماعی اصلی مانند حقوق بشر، برابری و آزادی و همچنین ارزشهای دموکراتیک و شهروندی، حاکمیت قانون و غیره است. به عنوان آخرین فعالیت، مولتی پلایرها این موضوعات را در جوامع خود منتقل کردند و در مورد آنها بحث کردند. ماژول اول کتاب راهنمای مشارکتی مقدمه ای بر راه های ممکن برای انتقال آموزش سیاسی به جوامع است.

به عنوان آخرین مرحله، بسیاری از مطالب آموزشی و یادگیری از پروژه به عنوان منابع باز و در دسترس برای منافع عمومی در پورتال الکترونیکی **+MultiPLUS** (<https://www.multiplusproject.com/>) ارائه میشود.

کل فرآیند آموزش و یادگیری در شکل زیر نشان داده شده است:

حرفه ای پلاس-۱۰۱

برای افزایش مهارت‌های ارتباطی و آموزش مولتیپلایرها از طریق تجزیه و تحلیل نیازها و یک برنامه آموزشی در خلاصه گزارش و روش آموزشی مولتی پلایر

۱۰۱- اکتبر ۲۰۲۰- ژوئن ۲۰۲۱

عملکرد پلاس - ۱۰۲

برای حمایت از مولتی پلایرها در ایجاد و ترکیب روش‌های ارتباطی و آموزشی از یک رویکرد بین المللی مجموعه روش شناسی یا Toolbox مولتی پلایر

۱۰۲- ژوئیه ۲۰۲۱- فوریه ۲۰۲۲

همراهی پلاس- ۱۰۳

حمایت از مولتی پلایرها در آموزش و برقراری ارتباط اجتماعی و دموکراتیک مسائل و ارزشها در جوامع محلی از طریق آموزش سیرلی که در ماژول ۲ از کتاب راهنما مشارکتی شرح داده شده

۱۰۳- مارس ۲۰۲۲- نوامبر ۲۰۲۲

هدف ویژه و کلی در پروژه MultiPLUS+ ارتقای همبستگی اجتماعی و هماهنگی شهروندان مهاجر/اقلیت در کشورهای اروپایی است.

کتاب راهنمای مشارکتی
ماژول ۱



OMEGA

فهرست

آشنایی با پروژه MultiPLUS + ۲

مولتی پلایرهای عزیز! ۸

۱. حقوق بشر ۱۶

- ۱,۱ کرامت انسانی ۱۶
- ۱,۲ نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹
- ۱,۳ مسئولیت ها و احترام برای حقوق بشر ۲۱
- فعالیت های پیشنهادی برای پرداختن به حقوق بشر ۲۲

نکاتی برای مولتی پلایرها ۲۶

۲. آزادی ۲۸

- ۲,۱ مفهوم ۲۸
- تمام آزادی ها به طور خلاصه ۳۰
- فعالیت های پیشنهادی برای پرداختن به آزادی ۳۲

۳. دموکراسی و مشارکت ۳۴

- ۳,۱ دموکراسی امروز - چگونه می توان آن را تعریف کرد؟ ۳۴
- ۳,۲ ارزش های دموکراتیک چه هستند؟ ۳۵
- ۳,۳ شهروند بودن به چه معناست؟ ۳۵
- ۳,۴ تمایز بین شهروندی رسمی و مدنی ۳۶

۳,۵ توانمندسازی و خودشهروندی ۳۶

۳۷

۳,۶ شهروندی جهانی و شهروند جهان
۳,۷ توانمندسازی و خودشهروندی
فعالیت های پیشنهادی در دموکراسی و مشارکت

۳۹

۴. برابری و حقوق اقلیت ها ۴۱

- ۴,۱ موضوعاتی که باید به آن پرداخته شود ۴۱
- ۴,۲ گوناگونی چیست؟ ۴۲
- ۴,۳ برابری چیست؟ ۴۵
- ۴,۴ تبعیض چیست؟ ۴۵
- ۴,۵ اقلیت چه چیست؟ ۴۷
- فعالیت های پیشنهادی برای برابری و حقوق اقلیت ها ۴۸

۵. حاکمیت قانون ۵۴

- فعالیت پیشنهادی برای حاکمیت قانون ۵۶
- کتابشناسی ۵۸

یکی دیگر از نوآوریهای پیمان ماستریخت ایجاد شهروندی اتحادیه اروپا بود. که از آن به بعد هر فردی که ملیت یک کشور اتحادیه اروپا را در دست دارد به طور خودکار شهروند اتحادیه اروپا محسوب میشود. همچنین شهروندی اتحادیه اروپا حقوقهایی مانند حق حرکت و زندگی آزادانه در داخل اتحادیه اروپا، حق رای دادن و ثبت نام به عنوان نامزد در انتخابات شهرداری ها و پارلمان اروپا و همچنین حق برای ثبت شکایت به بازرس اروپا، و غیره را فراهم میکند.

در صفحات زیر در مورد بعد سیاسی اتحادیه اروپا صحبت میکنیم و اینکه چگونه ارزشهای اتحادیه اروپا هم کاربرد دارند و هم بر زندگی روزمره ما تاثیر میگذارند، خواهیم پرداخت.

این یک کتابچه در مورد تاریخ اتحادیه اروپا و روند تعریف ارزشهای اساسی سیاسی آن نیست، بلکه یک کتابچه راهنمای درمورد ارزشهای آن است. ما دستورالعمل هایی را برای درک این ارزشها به شما ارائه میدهم، تا بتوانید در مباحث در مورد آنها شرکت کنید یا بتوانید چنین مکالمه ای را در گروه های خود رهبری کنید. به همین دلیل علاوه بر توضیح مفاهیم، فعالیتهای و مطالبی را اضافه کرده ایم که ممکن است به شما کمک کند تا در جوامع تان روی این موضوع کار کنید.

این کتابچه راهنما شما را متخصص نخواهد کرد، اما شما را نسبت به حقوق و تعهدات خود به عنوان شهروندان اتحادیه اروپا آگاه کرده و همچنین شما را آماده میکند تا با اطمینان بیشتری قادر به برقراری ارتباط این حقوق و تعهدات باشید و بتوانید دیگران را در جامعه خود به انجام همین کار تشویق کنید.

این بحث ها یا فعالیتهای را میتوان در یک میز گرد، یک کارگاه و یا در فضایی غیررسمی مانند اتاق نشیمن که گروهی از دوستان گردهم آمده اند انجام داد. ممکن است که این موضوع در یک گردهمایی رسمی ارائه شود، و یا ممکن است که این موضوع بسیار تصادفی مورد بحث قرار گیرد. در همه موارد شما در انتشار ارزشهای اروپایی و آموزش سیاسی فعال خواهید بود و افراد را به مشارکت و تبادل نظر تشویق خواهید کرد.

ما با تأمل در مورد حقوق بشر شروع میکنیم، زیرا حقوق بشر چتر بزرگی است که بر اساس آن همه ساکنان اتحادیه اروپا مورد حمایت قرار میگیرند. کرامت انسانی خدشه ناپذیر است و باید مورد احترام و حفاظت قرار گیرد و اصول واقعی حقوق اساسی را تشکیل بدهد.

ما با دموکراسی و مشارکت ادامه میدهم و این راهی است که خواست و منافع هر شهروند در نظر گرفته شده و مورد توجه قرار میگیرد. عملکرد اتحادیه اروپا بر اساس ایجاد دموکراسی تأسیس شده است. یک شهروند اروپایی به طور خودکار از حقوق سیاسی برخوردار است. هر شهروند بالغ اتحادیه اروپا حق دارد به عنوان نامزد ثبت نام کند و در انتخابات پارلمان اروپا در کشور محل اقامت خود، یا در کشور زادگاه خود رای بدهد. درحالی که این حق یک حق مسلم برای شهروندان اتحادیه اروپا است، برای بسیاری از ما مهاجران بسیار پیچیده است زیرا بسیاری از ما تابعیت کشور میزبان را نداریم، و خود را از رای محروم میکنیم و مجبور میشویم که درمورد موضوع مشارکت تجدید نظر کنیم.

سپس به ایده آزادی به عنوان یک ارزش میپردازیم، ارزشی که پیامدهای بسیاری دارد. ما در مورد آزادی حرکت که به شهروندان حق حرکت و زندگی آزادانه در داخل اتحادیه اروپا را میدهد، صحبت میکنیم، اما درعین حال به آزادی های فردی نیز اشاره میکنیم، مانند احترام به زندگی خصوصی، آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی تجمع، آزادی بیان و آزادی اطلاعات که توسط حقوق اساسی منشور اتحادیه اروپا حمایت میشوند.

مولتی پلایرهای عزیز!

اگر اروپا یک فرد بود، چگونه او را توصیف میکردیم؟ تقریباً غیر ممکن است! ویژگی های فیزیکی اروپا (جغرافیا) و راههای آن (زبانها، سنتها، فرهنگها و اقتصادها) آنقدر گوناگون است که به این نتیجه میرسیدیم که در یک فرد افراد مختلف زیادی وجود دارند.

چه چیزی باعث میشود اروپا، به ویژه اتحادیه اروپا، یکی باشد و هویتی به این صورت داشته باشد؟ آیا اتحادیه اروپا چیزی بیش از یک ائتلاف سیاسی و اقتصادی است؟ برای یک مهاجر زندگی کردن در خاک اتحادیه اروپا به چه معناست؟

این پرسشها انگیزه هایی ایجاد میکند که بتوان درمورد ارزشهایی صحبت کرد که اتحادیه اروپا آنها را به عنوان ارزشهای خود دانسته و از کشورهای عضو خود میخواهد که آنها را پذیرفته و از آنها دفاع کنند.

اتحادیه اروپا برای ترویج صلح، ارزشهای آن و رفاه همه ساکنان آن ایجاد شده است. دقیقاً این ارزشها مانند یک عقیده، ارزش هایی هستند که گوناگونی غنی اروپا را ایجاد میکند.

بله، اروپا در ارزش های بنیادی و اساسی خود یکی است: آزادی؛ حقوق بشر؛ دموکراسی و مشارکت؛ حاکمیت قانون، و برابری، ارزشهای اصلی اروپا هستند. این ارزشهای سیاسی توسط اتحادیه اروپا «اختراع» نشده اند و از تعریف اولیه خود تا توصیفی که امروزه به آن رسیده است راه زیادی پیموده است.

پس از جنگ جهانی دوم، توسط ۵۱ کشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) را تأسیس شد و متعهد به حفظ صلح و امنیت بین المللی، توسعه روابط دوستانه بین ملت ها و همچنین ترویج پیشرفت اجتماعی، استانداردهای زندگی بهتر و حقوق بشر شدند.

هفت سال بعد در سال ۱۹۵۷ شش کشور اروپایی (بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند) جامعه اقتصادی اروپا را راهاندازی کردند. این اتحادیه به اتحادیه اروپا تبدیل شد و در سال ۱۹۹۳ با پیمان ماستریخت، همبستگی مسائل خارجی، امنیتی و بین المللی اعضا را عمیقتر کرد. بیست کشور دیگر بتدریج به گروه اصلی پیوستند: ایرلند و دانمارک (۱۹۷۸)؛ یونان، پرتغال و اسپانیا (۱۹۸۶)؛ فنلاند، اتریش و سوئد (۱۹۹۵)؛ استونی، لیتوانی، لتونی، مالت، لهستان، اسلواکی، اسلوانی، چکسلواکی، مجارستان و قبرس (۲۰۰۴)؛ بلغارستان و رومانی (۲۰۰۷) و در نهایت کرواسی (۲۰۱۳).

در ابتدا اتحادیه اروپا به عنوان یک بازار مشترک برای افزایش معاملات آزاد کالاها، خدمات، مردم، و سرمایه در درون مرزهای داخلی خود تأسیس شد. پیمان ماستریخت که در ۷ فوریه ۱۹۹۲ امضا شد، ساختار اروپا را به سطح بالاتری برد. این پیمان، اتحادیه اروپا را پایه گذاری کرد و بعد سیاسی را به آن مجموعه اضافه کرد. قوانین مشخصی را برای اجرای یک پول واحد، سیاست خارجی و امنیتی و همچنین همکاری نزدیکتر در مورد عدالت و امور داخلی تعیین کرد.

چهارم، ما با تفاوتها، برابری و حقوق اقلیت ها و گروههای ضعیفتر جامعه سر و کار داریم. برابری در مورد حقوق برابر برای همه شهروندان در مقابل قانون است. اصول برابری زنان و مردان از تمام سیاستهای اروپایی حمایت میکند و پایه و اساس یکپارچگی جامعه اروپایی و در تمام زمینه ها است.

و در نهایت مفهوم حاکمیت قانون، مستلزم فصلی مستقل برای خود است. حاکمیت قانون یک فلسفه سیاسی است که همه شهروندان و نهادهای درون یک کشور، دولت یا جامعه در برابر قوانین، به طور یکسان پاسخگو هستند. دانشنامه بریتانیکا حاکمیت قانون را «مکانیسم، فرایند، نهاد، عمل یا هنجاری است که از برابری همه شهروندان در مقابل قانون حمایت میکند، شکل غیرخودسرانه حکومت را تضمین میکند و به طور کلی از استفاده خودسرانه از قدرت جلوگیری میکند. هر کاری که اتحادیه اروپا انجام میدهد بر اساس پیمانهای است که داوطلبانه و دموکراتیک مورد توافق کشورهای اتحادیه اروپا قرار گرفته است. قانون و عدالت توسط یک قوه قضاییه مستقل تایید میشود. همه کشورهای اتحادیه اروپا قدرت صلاحیت نهایی را به دیوان دادگستری اروپا داده اند و قضاوتهای آن باید مورد احترام همه باشد.

مطمئنا هیچ کدام از این اصطلاحات برای شما جدید نیستند. آنها همه جا نوشته شده اند و بر زبان همه سیاستمداران و سخنرانان جاری هستند. اما معنای آنها اغلب تحریف شده یا دستکاری شده است و گاهی به صورتی بیان میشوند که نه احترام دارند و نه فضا برای چنین ارزش هایی دارند. در پایان، به عنوان یک ضمیمه، ما ایده هایی را به شما در مورد زمینه هایی ارائه می دهیم که در آن میتوانید این ارزشها را با/به جوامع خود منتقل کنید/ارتباط برقرار کنید. همچنین برای شما ابزارهایی را برای ایجاد انگیزه و هماهنگی مباحث ارائه خواهیم کرد.

به عنوان امواجی در آب، نقش شما گسترش دانش، بینش، و شیوه های مشارکی در جوامع خود خواهد بود. این کتابچه راهنما میخواهد مانند یک سنگریزه انگیزه بخش و آموزنده در آبهای فعالیتهای روزانه جامعه شما باشد. دانستن این ارزشها و همچنین دفاع از آنها، ما را قویتر میکند و کمک میکند رویای یکپارچگی جامعه به حقیقت بپیوندد.



Vectorjuice — Freepick.com

حقوق بشر

دموکراسی و مشارکت

آزادی

برابری و حقوق اقلیت ها

حاکمیت قانون

اهداف اتحادیه اروپا

(خوب به خاطر داشته باشید، این اهداف چهارچوب کار ما است)

۱. ترویج صلح، ارزشهای آن، و سلامت شهروندان خود

۲. آزادی، امنیت و عدالت را در مرزهای داخلی ایجاد میکند، در حالی که اقدامات مناسبی را نیز در مرزهای خارجی خود انجام میدهد تا بتواند هماهنگی برای پناهندگی، مهاجرت و جلوگیری و مبارزه با جرم و جنایت را انجام دهد.

۳. ایجاد یک بازار داخلی

۴. دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر رشد اقتصادی متعادل و ثبات قیمت و اقتصاد بازار بسیار رقابتی با اشتغال کامل و پیشرفت اجتماعی

۵. حفاظت و بهبود کیفیت محیط

۶. ترویج پیشرفت علمی و تکنولوژیکی

۷. مبارزه با تبعیض و طرد اجتماعی

۸. ترویج عدالت و حمایت اجتماعی، برابری زنان و مردان و حمایت از حقوق کودک

۹. افزایش انسجام و همبستگی اقتصادی، اجتماعی و ارضی میان کشورهای اتحادیه اروپا

۱۰. احترام به گوناگونی غنی فرهنگی و زبانی آن

۱۱. ایجاد یک اتحادیه اقتصادی و پولی

که واحد پول آن یورو است

هیچ فردی هرگز نمیتواند کرامت خود را از دست بدهد. یک فرد کرامت خود را حتی اگر کاری انجام داده باشد نباید از دست بدهد. کرامت در ذات انسانی نهفته است. و این کرامت دلیل و اساس کل حقوق بشر است.

کرامت انسانی تعهداتی را ایجاد میکند:

- حفظ جان مردم و تضمین امنیت آنها.
- تشویق رشد انسان، هر فردی که باشد.
- شناخت شخصیت منحصر به فرد و مشارکت در جامعه.
- دلسوز بودن در زمان دشواری و پریشانی.
- دریافت مراقبت و رسیدگی هماهنگ با وضعیت او.

برداشت از کرامت خودمان همیشه شامل حضور و عزت دیگران است. هنگامی که کرامت انسانی شناخت نمیشود، هم کسی که عزتش محترم شمرده نشده و هم کل جامعه آسیب خواهند دید. هنگامی که مردم بر اساس ویژگی‌هایی مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، مذهب و مانند آن تقسیم میشوند، این شرایط جوامع نابرابری را ایجاد میکند که تبعیض، ترس و خشونت در آن بیدار میکند.

برخی از کارهایی که کرامت انسانی را نقض میکنند، شکنجه، تجاوز جنسی، محرومیت اجتماعی، بهره‌برداری از نیروی کار، کار اجباری و برده‌داری است. فقر مطلق و فقر نسبی هر دو نقض کرامت انسانی هستند، اگرچه ابعاد مهم دیگری هم مانند بی‌عدالتی اجتماعی نیز در این زمینه وجود دارند.

حقوق بشر متعلق به همه ماست و با زندگی روزمره ما مرتبط است، نه فقط در هنگام سرکوب یا بدرفتاری، بلکه حتی وقتی نادیده گرفته می‌شوند، یا کاری برای اجرای آن انجام نمی‌شود نیز این شرایط وجود دارد. اما... حقوق بشر دقیقاً چه هستند؟ آیا ما همه آنها را میشناسیم؟

این کنوانسیون از این حقوق حمایت میکند: زندگی؛ آزادی؛ امنیت؛ احترام به خانواده؛ آزادی بیان، آزادی فکر، وجدان و دین؛ رای دادن و ثبت نام برای انتخابات؛ محاکمه عادلانه در مسائل مدنی و جنایی؛ حفظ اموال و لذت بردن مسالمت آمیز از اموال خود.

این کنوانسیون نه تنها حقوق را به رسمیت میشناسد، بلکه، شکنجه یا رفتار غیرانسانی یا تحقیر آمیز را ممنوع و مجازات میکند؛ و برده‌داری و کار اجباری؛ بازداشت خودسرانه و غیرقانونی؛ تبعیض در برخورداری از حقوق و آزادی‌های تأمین شده توسط کنوانسیون؛ اخراج اتباع خود از کشور و یا جلوگیری از ورود آنها؛ اخراج جمعی خارجی‌ها؛ و اعدام را ممنوع و مجازات می‌کند.

۱. حقوق بشر

۱٫۱ کرامت انسانی

«همه انسان‌ها در کرامت و حقوق آزاد و برابر به دنیا می‌آیند. آن‌ها با عقل و وجدان به وجود آمده و باید با روحیه برادری نسبت به یکدیگر عمل کنند.»
(ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

پذیرفته شده‌ترین بیانیه در مورد حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) است. پیام اصلی آن ارزش ذاتی هر انسان است. این اعلامیه به اتفاق آرا در دهم دسامبر ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسید (اگرچه ۸ ملت از رای دادن به آن امتناع کردند). فهرستی از حقوق اساسی را برای هر فرد در جهان بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، داراییها، تولد یا وضعیت دیگر تعیین میکند. و همچنین بیان میکند که دولت‌ها تعهد داده‌اند که حقوق مشخصی را نه تنها برای شهروندان خود، بلکه برای مردم کشورهای دیگر نیز رعایت کنند. به عبارت دیگر، مرزهای بین‌المللی زمانی که حقوق بشر در معرض خطر یا نقض قرار می‌گیرد، مناطق طرد شده یا مستثنی نیستند.

از سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی، استاندارد بین‌المللی حقوق بشر بوده است. در سال ۱۹۹۳ یک کنفرانس جهانی با ۱۷۱ کشور که شامل ۹۹٪ جمعیت جهان بود، به مفاد حقوق بشر متعهد شد. (گام‌های اول: کتابچه راهنمای آموزش حقوق بشر)

اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) نقطه عطفی در تاریخ حقوق بشر است. این اعلامیه که توسط نمایندگانی با سوابق حقوقی و فرهنگی مختلف از تمام مناطق جهان تهیه شده بود، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس معرفی شد (قطعنامه مجمع عمومی ۲۱۷ A) که به عنوان یک استاندارد مشترک از دستاوردها برای همه مردم و همه ملت‌ها بود. این قانون برای اولین بار حقوق اساسی بشر را که باید به طور جهانی مورد حمایت قرار گیرد، تعیین میکند و سپس آن را به بیش از ۵۰۰ زبان ترجمه می‌شود. UDHR کاملاً شناخته شده است، چرا که زمینه را برای تصویب بیش از هفتاد پیمان حقوق بشر، که امروز به صورت دائمی در سطح جهانی و منطقه‌ای اعمال می‌شود، هموار کرد (همه حاوی رفرنس‌هایی در توضیحات هستند).

حقوق بشر بر اساس شناخت کرامت فردی انسان است. کرامت انسانی دلالت بر این دارد که همه انسانها ارزش ویژه‌ای دارند که منحصر به انسانیت آنهاست. یعنی افراد صرفاً به این دلیل که انسان به دنیا آمده‌اند، ارزش و کرامت دارند.

کرامت انسانی دلالت بر شناخت، احترام و حفاظت از تک تک افراد روی زمین دارد. کرامت انسانی باید به رسمیت شناخته شده، حفظ و تقویت شود.

۳. محیط زیست، فرهنگی و توسعه: این ها شامل حق زندگی در یک محیط تمیز و عاری از ویرانی و همچنین حقوقی برای پیشرفت فرهنگی سیاسی و اقتصادی هستند.

مسلم است که همه انسان ها با تولد به این حق میرسند

حقوق یک فرد یا گروهی از افراد

مفهوم جهانی و حقوقی

آنها برای حفظ از کرامت انسانی، برابری، و آزادی برای همه، بدون هیچ نوع تبعیضی

Civil and political	Economic and Social	Enviromental, cultural and developmental
<ul style="list-style-type: none"> • Right to life • Right to security • Right to political participation. • Right to hold private property • Freedom (to move, to believe, to sepak, to assambly • Right to information 	<ul style="list-style-type: none"> • Right o equality • Right to work • Right to have a family • Right to privacy • Right to public assitance during old age • Right to health care • Righth to foodand shelter • Right to education 	<ul style="list-style-type: none"> • Right to live in a clean enviroment • Right to cultural development • Rightto political and economic development

۱,۲ نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر را میتوان با توجه به حقوقی که به رسمیت میشناسد، در ۳ دسته مختلف طبقه بندی کرد.

خلاصه ای از مقدمه:

• مجمع عمومی تشخیص میدهد که کرامت ذاتی و حقوق برابر و مسلم همه اعضای خانواده انسانی، پایه و اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است.

• حقوق بشر باید توسط حاکمیت قانون محافظت شود.

• روابط دوستانه بین ملت ها باید پرورش داده شود.

• افراد سازمان ملل اعتقاد خود را به حقوق بشر، در کرامت و ارزش فردی انسانی و در حقوق برابر زن و مرد نشان داده اند.

• آنها مصمم به ترویج پیشرفت اجتماعی، استانداردهای بهتر زندگی و آزادی بیشتر هستند.

• و متعهد شده اند که حقوق بشر را ترویج دهند و درک مشترکی از این حقوق و آزادی ها داشته باشند.

۱. مدنی و سیاسی: این حقوق پایه های ایجاد شرایط اولیه زندگی اجتماعی را فراهم میکند. بدون این حقوق، زندگی متمدنانه امکان پذیر نیست و به همین دلیل برای زندگی پیشرفته در جامعه بسیار ضروری تلقی میشوند. این ها حقوق 'آزادی گرا' هستند و شامل حق زندگی و امنیت فرد میشوند؛ آزادی از شکنجه و برده داری؛ آزادی نظر، بیان، فکر، وجدان و مذهب؛ آزادی مشارکت و اجتماع همراه با آزادی در حرکت نیز جزو این دسته محسوب میشوند. همچنین شامل حق حفظ اموال و انجام معاملات یا حرفه ها و همچنین حق شرکت در دولت کشور خود نیز هست.

۲. اقتصادی و اجتماعی: اینها حقوق فردی در برابر دولت هستند، که برای ریشه کن کردن نابرابری اجتماعی، عدم تعادل های اقتصادی و محدود کردن معایب ناشی از طبیعت، سن و موارد دیگر وجود دارند. اما این حقوق از سوی دولت داده میشود. دولت موظف نیست به یکباره تمام این حقوق را برآورده کند. و این بستگی به منابع اقتصادی جامعه دارد. بیشتر دولتهای سوسیالیستی این حقوق را به عنوان حقوق اساسی مردم به رسمیت میشناسند. که از آنها حق برابری، حق کار، حق داشتن خانواده، حق حریم خصوصی، حق کمک های عمومی در دوران پیری و بیماری، حق مراقبت های بهداشتی، حق مراقبت های ویژه در دوران کودکی و در دوران مادری برخی از نمونه های این حقوق هستند. این ها حقوق 'امنیت گرا' هستند، که شامل حق کار، آموزش و پرورش، یک استاندارد عادی زندگی، غذا، سرپناه، و مراقبتهای بهداشتی هستند.

۱,۳ مسئولیت ها و احترام به حقوق بشر

حق و مسئولیت/تعهد دو طرف یک سکه هستند. این فهرست طولانی ۳۰ موردی حقوق بشر به نوعی فهرست طولانی مسئولیتها و تعهدات شخصی نسبت به دیگر انسانها نیز هست.

ما انسانها نمیتوانیم فقط انتظار داشته باشیم که حقوق خود را مطالبه کنیم، بلکه باید به آنها نیز احترام بگذاریم. حد و مرز حقوق ما همیشه در رابطه با حقوق دیگران مشخص میشود. چیزی که برای ما درست به نظر میرسد ممکن است برای شخص دیگری درست نباشد. ما همیشه باید مراقب باشیم که با اعمالمان به حقوق دیگران آسیب نرسانیم یا آن را نقض نکنیم.

در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام میکنند که:

۱. هرفردی وظایفی در مقابل جامعه دارد که در آن جامعه به تنهایی رشد آزاد و کامل شخصیت او امکان پذیر است.

در اعمال حقوق و آزادی های او، هر فرد تنها در صورتی با چنین محدودیت هایی روبرو خواهد بود که در یک جامعه دموکراتیک، تنها توسط قانون و به منظور تامین شناخت و احترام به حقوق و آزادیهای دیگران و برآورده کردن نیازهای اخلاقی، نظم عمومی، و رفاه عمومی اعمال شود.

این حقوق و آزادی ها هیچگاه نباید برخلاف اهداف و اصول سازمان ملل اعمال شود.

هر حقی مسئولیت مطابقی با آن دارد. به عنوان مثال، حق آزادی بیان شما با مسئولیت شما به صورتی محدود میشود که چیزهای غیر واقعی نگویید که فرد دیگری را تحقیر کند و یا به حق عزت و خوش نامی آنها تجاوز شود.

توازن حقوق ما و مسئولیت های ما برای احترام به حقوق افراد دیگر به این معنی است که ما معمولا باید حقوق خود را در مهارتهای خاصی اعمال کنیم.

موقعیتهای زیادی وجود دارد که حقوق و مسئولیت های افراد مختلف با هم در تضاد هستند. به عنوان مثال برخی کشورها قوانینی دارند که پوشیدن کمر بند ایمنی را در اتومبیل ها اجباری میکنند. بسیاری از مردم با این قوانین مخالفت میکنند و استدلال میکنند که این محدودیت حق آنهاست که آزادانه عمل کنند. دولتهای این کشورها استدلال میکنند که مردم در اتومبیل ها مسئولیتی در قبال بیمارستانها، پزشکان و بقیه جامعه دارند تا هر کاری که ممکن است انجام دهند تا در حین رانندگی از مجروح شدنشان جلوگیری شود. استدلال میشود که اگر مردم کمر بند ایمنی نبنند و مجروح شوند، زمان، پول و فضای بیمارستان را گرفته و این شرایط درمانی افرادی که مبتلا به بیماری هستند را از آنها سلب میکند و به همین دلیل حق افراد بیمار برای مراقبت های بهداشتی مناسب محدود میشود.

حقوق من = حقوق شما = حقوق ما

* ۱. همه آزادند و با همه ما باید به یک شیوه رفتار شود.

* ۲. هر فرد با وجود تفاوتها به عنوان مثال در رنگ پوست، جنس، مذهب و زبان برابر است.

* ۳. هر فرد حق دارد در آزادی و امنیت زندگی کند.

* ۴. هیچ کسی حق ندارد با شما به عنوان برده رفتار کند و نباید کسی را برده خود کنید.

* ۵. هیچ کسی حق ندارد به شما صدمه بزند یا شما را شکنجه کند.

* ۶. هر کسی حق دارد که با او با قانون به طور مساوی رفتار شود.

* ۷. قانون برای همه یکسان است، باید به همان شیوه برای همه اعمال شود.

* ۸. هر فرد حق دارد در زمانی که حقوقش مورد محترم نیست، درخواست کمک قانونی کند.

* ۹. هیچ کسی حق ندارد شما را به ناحق زندانی کند یا شما را از کشورتان اخراج کند.

* ۱۰. هر فردی حق محاکمه عادلانه و عمومی را دارد.

* ۱۱. همه باید تا زمانی که گناهشان ثابت نشده، بی گناه تلقی شوند.

* ۱۲. هر فرد حق دارد در صورتیکه کسی سعی کند به او آسیب برساند، درخواست کمک کند، اما هیچ نمی تواند وارد خانه شما شود، نامه هایتان را باز کند، و یا شما یا خانواده تان را بدون هیچ دلیلی آزار دهد.

* ۱۳. هر فرد حق دارد هر طور که میخواهد سفر کند.

* ۱۴. هر فرد حق دارد اگر مورد آزار و اذیت قرار میگیرد یا در خطر آزار و اذیت باشد، به کشور دیگری برود و درخواست کمک کند.

* ۱۵. هر فرد حق دارد تابعیت یک کشور را داشته باشد. هیچکس حق ندارد در صورت خواست شما برای تابعیت به کشور دیگری، مانع شما شود.

* ۱۶. هر کس حق ازدواج و خانواده دارد.

* ۱۷. هر فرد حق مالکیت و دارایی خود را دارد.

* ۱۸. هر کس حق دارد تمام جنبه های دین خود را انجام دهد و آزاد است که بخواهد دین خود را تغییر دهد.

* ۱۹. هر فرد حق دارد آنچه را که فکر میکند بگوید و اطلاعات بدهد و دریافت کند.

* ۲۰. هر فرد حق دارد در گردهمایی ها شرکت کند و به شیوه ای مسالمت آمیز به انجمن ها بپیوندد.

* ۲۱. هر فرد حق دارد در انتخاب شرکت کند و به ایجاد دولت در کشورش کمک کند.

* ۲۲. هر فرد حق دارد امنیت اجتماعی داشته باشد و فرصت هایی برای توسعه مهارت های خود داشته باشد.

* ۲۳. هر فرد حق دارد برای دستمزد عادلانه در محیطی امن کار کند و به اتحادیه کارگری بپیوندد.

* ۲۴. هر فرد حق استراحت و اوقات فراغت را دارد.

* ۲۵. هر فرد حق دارد از یک سطح زندگی مناسب برخوردار باشد و اگر بیمار شد از کمک های پزشکی برخوردار باشد.

* ۲۶. هر فرد حق دارد به مدرسه برود.

* ۲۷. هر فرد حق دارد در زندگی فرهنگی جامعه مشارکت کند.

* ۲۸. هر فرد باید به «دستورات اجتماعی» احترام بگذارد که این لازمه تحقق یافتن همه این حقوق هستند.

* ۲۹. هر فرد باید به حقوق دیگران، جامعه و اموال عمومی احترام بگذارد.

* ۳۰. هیچ کس حق ندارد هیچ یک از حقوق این اعلامیه را از بین ببرد.

سوالات:

** آیا ایده های شما در مورد اینکه کدام حق ها مهم ترین هستند در طول این فعالیت تغییر کرد؟*

** اگر برخی از این حقوق را حذف میکردیم، زندگی چگونه میبود؟*

** آیا هرگونه حقی که شما در حال حاضر میخواهید برای اضافه کردن به لیست نهایی وجود دارد؟*

** آیا کسی هست که یک حق را در همان ابتدا بیان کرده باشد، که در هیچ یک از لیست ها گنجانده نشده باشد؟*

** چرا ساخت چنین فهرسی برای ما مفید است؟*

** به نظر شما وضعیت کشور شما در حال حاضر برانتخاب های شما در مورد این حق ها تاثیرگذار بوده است؟ چرا؟ چرا خیر ؟*

حقوق در اخبار

هدف: این فعالیت مقدمه خوبی برای افرادی است که ممکن است در حال حاضر تاحدودی درکی در مورد حقوق بشر دارند. این فعالیت به آنها کمک میکند تا حق ها را تشخیص دهند و موقعیت های روزمره را در چرچوب حقوق بشر قرار دهند.

نکات یادگیری: حقوق روی کاغذ مربوط به موقعیت های روزمره.

آنچه شما نیاز دارید:

- روزنامه ها و مجلات از همه نوع

-آنها باید به اندازه کافی برای گروه های کوچک باشد که حداقل هر کدام یکی داشته باشند

-تخته سیاه یا یک کاغذ بزرگ و قلم و جاسب یا نوار

- اعلامیه جهانی حقوق بشر

- نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر از قسمت چهارم این کتابچه راهنما.

زمان: یک ساعت.

مراحل:

۱) متن زیر را برای گروه بخوانید: «در دنیای مدرن ما، همه ما بیش از هر زمان دیگری به اطلاعات دسترسی داریم. اکثر ما این اطلاعات را از طریق رسانه ها و به ویژه از اخبار به دست می آوریم. هر روز تلویزیون و روزنامه ها مملو از موقعیته‌ها و داستان هایی هستند که امیدوار، ترازیک، شاد، غمگین، ساده یا پیچیده هستند. معمولاً به داستانه‌ای خبری وحشتناک نگاه میکنیم و احساس ناتوان بودن میکنیم. با این حال، با نگاهی دوباره، با استفاده از ایده های حقوق بشر، میتوانیم الگوهای موفقیت را ببینیم، جاهایی که حق ها مورد حمایت قرار می گیرد و اعمال میشوند و در مشکلاتی که حقوق انکار میشود.

۲) گروه های کوچک چهار نفره تشکیل دهید.

روزنامه ها و مجلات را به صورت تصادفی توزیع کنید.

۳) روی یک تخته سیاه/کاغذ یک دایره بزرگ رسم کنید و در دورتا دور آن دایره سه عبارت زیر را به گونه ای بنویسید که تا حد امکان از یکدیگر دور باشند. (این کار اجازه میدهد تا فضای زیادی برای برش روزنامه داشته باشیم).

۴) این سه مفهوم را توضیح دهید: - حقوق انکار شده - حقوق حمایت شده -حقوق اعمال شده - و از گروه ها بخواهید که در روزنامه ها و مجلات خود موضوعاتی را پیدا کنند که هر یک از این سه مفهوم را نشان میدهد. شرکت کنندگان را تشویق کنید تا از تمام بخشهای مجلات و روزنامه ها از جمله تبلیغات، آگهی های طبقه بندی شده و موارد دیگر استفاده کنند. به شرکت کنندگان موارد زیر را توضیح دهید:

فعالیت های پیشنهادی برای عملی کردن حقوق بشر

کشور خیالی

این فعالیت ایده حقوق مبتنی بر نیازها را به شرکت کنندگان معرفی میکند و آنها را با اعلامیه جهانی حقوق بشر آشنا میکند. این فعالیت ایده هایی را مطرح میکند که بتوانیم ارزش حقوق را درک کنیم و اینکه 'انتخاب' های ما را گزینه هایی برای ایجاد دائمی تر 'حقوق گروه' ایجاد کند.

نکته یادگیری:

- اسناد حقوق بشر بر اساس نیازهای ذاتی خودمان است.

- ما بسته به شرایط خودمان برخی حق ها را بسیار ارزشمندتر میدانیم، اما هر حقی برای فرد خاصی مهم است.

آنچه شما نیاز دارید:

- نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر از قسمت ۴.

زمان: حدود یک ساعت و ۱۵ دقیقه برای فعالیت اساسی.

چگونه آن را انجام دهید:

۱) گروه های کوچک پنج یا شش نفره تشکیل دهید.

۲) سناریوی زیر را بخوانید: «تصور کنید که یک کشور جدیدی را کشف کرده اید، جایی که تا به حال کسی در آن زندگی نمیکرده است و قوانین و ضوابطی در آن وجود ندارد. شما و دیگر اعضای گروهتان مهاجران این سرزمین جدید خواهید بود. شما نمیدانید در کشور جدید چه جایگاه اجتماعی خواهید داشت.»

۳) هر شرکت کننده باید به صورت افرادی سه حقی را لیست کند که به نظر او آنها باید برای همه در این کشور جدید تضمین شوند.

۴) حالا از شرکت کنندگان بخواهید لیست های خود را در داخل گروه به اشتراک بگذارند و مورد بحث قرار دهند و فهرستی از ۱۰ حق را انتخاب کنند که کل گروه شان فکر میکنند مهم است.

۵) حالا از هر گروه بخواهید که به کشورشان نامی بدهد و ۱۰ حق انتخاب شده خود را روی یک تکه کاغذ بزرگ یا روی تخته سیاه بنویسند که همه بتوانند آنها را ببینند.

۶) هر فرد لیست خود را به کل گروه ارائه میدهد. همانطور که این کار را انجام میدهید، یک «لیست اصلی» بسازید که باید تمام حقوق مختلف لیست های گروهی را شامل شود. اگر چند بار به برخی حقوق اشاره شد. آنها را یک بار در لیست اصلی بنویسید و هر بار که تکرار میشوند آنها را تیک بزنید.

۷) هنگامی که همه گروه ها لیستهای خود را ارائه کردند، لیست حقه‌ای اصلی را شناسایی کنید که با یکدیگر همپوشانی دارند یا با یکدیگر در تضاد هستند. آیا لیست میتواند منطقی باشد؟ آیا میتوان برخی حقه‌ای مشابه را با هم گروه بندی کرد؟

۸) هنگامیکه لیست اصلی تکمیل شد، نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر از بخش ۴ را با هم مقایسه کنید. تفاوت ها/ شباهت های بین لیست شما و UDHR چه هستند؟ برای بدست آوردن نکته های یادگیری از سوالات زیر استفاده کنید. گزینه هایی زیر نکته هایی را برای ادامه این کار گروهی به شما رایبه میدهند.

چگونه آن را انجام دهید:

۱) از گروه بخواهید که گروه‌های دونفره تشکیل دهند. هر فرد باید پنج حق مهم که فکر میکنید باید آنها را درخانه داشته باشند بنویسد. به عنوان مثال حق داشتن فضای شخصی. (این کار میتواند به عنوان یک تمرین بازتأپی انجام شود که کارهای قبلی درمورد حقوق بشر را یادآوری میکند).

۲) از هر فرد بخواهید که لیست خود را با هم گروهی خود مبادله کند. هر شرکت کننده باید به مسئولیت‌هایی فکر کند که با هر حقی که هم گروهی اش ذکر کرده مطابقت دارد. به عنوان مثال مسئولیت احترام به فضای افرادی که با آنها زندگی میکنند.

۳) هر گروه دو نفره به بقیه گروه، دو حق و مسئولیتهای مربوطه به آن ها در لیست خود را گزارش میدهد. رهبر گروه باید حقوق و مسئولیتها را روی تخته بنویسد.

۴) شرکت کنندگان باید اطلاعات مربوط به حقوق و مسئولیتها را بخوانند. سپس یک بحث با استفاده از سوالات زیر را آغاز کنید:

سوالات:

** فکرکردن به مسئولیت مطابق با هر حق آسان بود یا سخت بود؟*

** در مثال کمربند ایمنی /به اطلاعات مربوط به حقوق و مسئولیتها نگاه کنید)، به نظر شما حق با چه کسی است، دولت یا افرادی که از پوشیدن کمربند ایمنی خودداری میکنند؟*

**چه اتفاقی می افتاد اگر شما کسی را میشناختید که به علت نرسن کمربند ایمنی زخمی شده باشد؟ چه قدر احتمال دارد این اتفاق بیفتند؟ شما چه احساسی خواهید داشت؟*

**اگر دکتر بیش از حد مشغول کمک به راننده ای بود که از پوشیدن کمربند ایمنی خودداری کرده بود و مجروح شده بود و در نتیجه آن یک کودک بیمار بمیرد؟ به نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاه کنید. کدام حقوق در این مثال نقش دارند؟*

** آیا میتوانید به نمونه های مشابهی فکر کنید که در آن حقوق و مسئولیت‌های دیگر با هم در تضاد هستند؟*

مثالها: حقوق رد شده: که میتواند شامل مقاله ای در مورد شکایتی باشد که یک کلینیک بهداشت شهرداری بدون مشورت با جامعه محلی بسته شده است. این مورد نقض حق سلامت یا حتی زندگی را نشان میدهد. حقوق حفاظت شده: این میتواند داستانی در مورد کودکانی باشد که از دست افرادی که با آنها بدرفتاری میکردند نجات یافته اند. حقوق درعمل: این میتواند تصویری از یک فوتبالیست باشد که یک گل به ثمر رسانده، که نشان دهنده حقوق اوقات فراغت، سلامت، آزادی گردهمایی یا حتی سفر را نشان میدهد (اگر یک مسابقه بین المللی باشد).

۵) هنگامیکه این فعالیت به پایان رسید (معمولا پس از حدود ۱۰ دقیقه) از شرکت کنندگان بخواهید به اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا نسخه ساده شده مقاله نگاه کنند تا بتوانند مقالاتی که مربوط به داستانشا یا تصاویری است که در روزنامه ها بوده را پیدا کرده اند. ۱۰ دقیقه دیگر نیز برای این بخش از فعالیت اختصاص دهید.

۶) حالا از هر گروه به نوبت بخواهید که یافته های خود را روی تخته سیاه/کاغذ بزرگ وصل کنند. همانطور که این کار را انجام میدهند، باید توضیح دهند که چرا آن مثال را انتخاب کرده اند و به کدام مقالات UDHR خاص مربوط می شود.

۷)برخی از نمونه های انتخاب شده ممکن است شامل موقعیتهایی باشند که همان حق یا حقوق در آنها تکذیب میشود، حفظ میشود و عملا همه در یک زمان اتفاق می افتد! از سوالات زیر برای کمک به گروه در تجزیه و تحلیل این موقعیتها استفاده کنید.

سوالات:

**آیا یافتن نمونه هایی برای نشان دادن حقوق رد شده، حقوق حفظ شده و عملی شده، آسان بود؟*

**آیا نشان دادن یک عبارت دشوارتر بود؟ چرا؟*

**آیا هیچ مقاله ای از روزنامه با نمونه های دیگری وجود داشت که هر سه عبارت را بتوان مرتبط دانست؟ کدام؟ چرا؟*

**آیا نمونه ای وجود داشت که یک نفر یا گروهی حقوق خود را بتوانند حفظ کنند و در نتیجه، حقوق شخص دیگری رد شده باشد؟ آیا در چنین شرایطی این مفهوم که حقوق من در جایی ختم میشود که حقوق شما آغاز میشود و برعکس مفید خواهد بود؟ آیا استفاده از این مفهوم نتیجه بهتری برای همه میدهد؟ چرا؟ چرا خیر؟*

حقوق و مسئولیت ها

هدف: *این لیست کوتاه و فعالیت گفتگویی به جوانان کمک میکند تا ارتباط بین حق ها و مسئولیت ها را درک کنند.*

نکته یادگیری: هر حق مسئولیت مطابقی را دارد.

آنچه شما نیاز دارید:

-نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر.

-اطلاعات مربوط به حقوق و مسئولیت ها (صفحه بعدی را ببینید).

زمان: چهل و پنج دقیقه

شماره ۴: «هدف از استفاده از بازپها برای صحبت در مورد حقوق بشر چیست؟»

پاسخ: ما با انجام این بازپها، کارها را بهتر یاد میگیریم و یاد میگیریم کاملاً به آنها گوش کنیم. اگرچه فعالیتها معمولاً سرگرم کننده هستند، اما اهدافی جدی دارند (معمولاً توضیح یک مفهوم حقوق بشر).

شماره ۵: «برخی میگویند آموزش حقوق بشر یک تلقین سیاسی است.»

پاسخ: درک حقوق بشر مردم را قادر میسازد تا بهتر در جامعه و در سیاست کشورشان شرکت کنند. با این حال، تمایز بین این مهارتهای سیاسی و سیاست حزبی مهم است. رهبران گروه هم‌تا مسئولیت زیادی دارند که دیگران را به سمت یک حزب سیاسی یا ایدئولوژی سیاسی خاص سوق ندهند.

**میدانستید؟ اروپا تنها قاره ای
نیست که دادگاهی در حمایت از
حقوق بشر دارد. دو دادگاه
منطقه ای دیگر نیز وجود دارد:
اینتردادگاه حقوق بشر آمریکا و
دادگاه آفریقا در مورد حقوق
بشر و مردم**

راهنمایی برای مولتی پلایرها

چه کسی میترسد که در مورد حقوق بشر صحبت کند (یا نمیدانند چگونه آن را شروع کند)

(بر اساس کتابچه راهنمای «گام های اول» آموزش حقوق بشر از سازمان عفو بین الملل)

صحبت کردن در مورد حقوق بشر در جوامع ما میتواند برای برخی گروهها کمی عجیب باشد؛ ممکن است صحبت کردن (و/یا گروهها) در مورد یک موضوع "سیاسی" برای ما احساس ناراحتی و ناامنی ایجاد کند، چرا که ما معمولاً عادت به صحبت کردن در مورد این مسایل نداریم. احترام و استفاده از حقوق بشر بر زندگی روزمره ما تاثیر میگذارد و شاید اگر در مورد آنها تأمل نکنیم تاثیر آن حتی بیشتر از آن چیزی باشد که بشود باور کرد.

در اینجا برخی از سوالاتی میپردازیم که مکرراً پرسیده شده است و یاد را برابر آن مقاومتهای نشان داده شده است، همچنین برخی از پاسخهایی که ممکن است در طول بحث در مورد حقوق بشر بوجود آیند ذکر میشود. پاسخ های داده شده در اینجا کوتاه است اما ممکن است جواب برخی از پرسشهای شما باشند.

شماره ۱: «آیا موضوعات حقوق بشر برخی افراد را نمی ترساند؟»

پاسخ: آموزش حقوق بشر مثبت است، نه منفی، زیرا جوانان حقوق ذاتی خود و اهمیت کرامت انسانی را یاد میگیرند. البته دادن اطلاعات به مردم در مورد نقض حقوق بشر به تنهایی کافی نیست، و میتواند ناراحت کننده باشد. با این حال آموزش حقوق بشر متفاوت است زیرا اگرچه بر اساس دانشی است که در اتفاقات بد رخ میدهد، اما جوانان را نیز به مهارتها و نگرشها مجهز میکند تا بتوانند بهتر عمل کنند و آن شرایط را بهتر کنند.

شماره ۲: «به جوانان باید مسئولیت آموزش داده شوند نه حقوق.»

پاسخ: ما تأکید میکنیم که حقوق و مسئولیت ها هر دو اهمیت یکسانی دارند. فعالیت ها و بحث ها نشان میدهد که حقوق یک نفر در جایی ختم میشود که حقوق فرد دیگری آغاز میشود و هر مسئولیت احترام به حقوق دیگران است.

شماره ۳: «اگر یکی از اعضاء گروه سوالی بپرسد و من نتوانم به آن پاسخ بدهم چه؟»

پاسخ: در آموزش حقوق بشر پاسخ ها به ندرت ساده است. پرسش های پیچیده اخلاقی را نمیتوان با بله یا نه پاسخ داد. مطرح کردن سوالات مهمتر از پیدا کردن یک پاسخ 'درست' است. با معرفی این مسائل پیچیده به دیگران و با دادن فرصتی به آنها برای فکر کردن، اگر بعداً در زندگی با آنها برخورد داشتند مجهز شده اند. لازم نیست جواب همه سوال ها را داشته باشید.

۲. آزادی

۲/۱ مفهوم

آزادی حقی مقدس و غیر قابل تصرف است که همه انسان ها را شامل میشود. این حقی مهم و ضروری است، و برای اعمال دیگر حقوق UDHR، بسیار مهم است، و آن یکی از پنج ارزش سیاسی ضروری اتحادیه اروپا است.

آزادی قدرتی است که بتوانید بر اساس میل خود، در حالی که به قانون و حقوق دیگران احترام میگذاریم، عمل کنید.

یعنی هر انسانی میتواند برای تصمیم گیرهای خود، تسلط بر زندگی خود و پایبند بودن (مسئول بودن) از پیامدهای این آزادی «استاد خودش باشد»..

هنگامی که به آزادی/استقلال میپردازیم، به حدود، قوانین، مدارا کردن و زندگی مشترک نیز میپردازیم.

آزادی، اصلی شناخته شده و تضمین شده در جنبه های مختلف آن، برای لذت بردن انسانها از زندگی در شرایط کرامت کامل اساسی است، و به عنوان ذاتی برای هر فرد تعریف شده است که تنها این واقعیت که او یک انسان است کافی است.

به لطف آزادی، یک فرد (یا یک گروه) میتواند بر اساس معیارهای خودش عمل کند بدون اینکه خودسرانه توسط فرد، گروه، نیروی سیاسی یا دولت/دولت دیگری متوقف شود. در تئوری، قواعد (قوانینی) که آزادی مردم را محدود میکنند، باید کمترین اهمیت را داشته باشند تا بتوان هیچ و مرج را از بین برد و همزیستی هماهنگ همه مردم را تضمین کرد. محدودیت در اعمال آزادی زمانی ضروری است که تضاد با دیگر ارزش ها یا منافع جامعه به وجود بیاید. اگر مثلاً اعمال آزادی عامل ناامنی یا نابرابری باشد، باید آن آزادی را محدود کنیم. با این حال، این قوانین میتوانند آزادی را خودسرانه یا بی مورد تضعیف، سرکوب یا محدود کنند.

آزادی ها میتوانند فردی یا جمعی باشد. آزادی های اساسی، فردی، آزادی نظر، بیان، حرکت، فکر، وجدان، باورها و حق حریم خصوصی همه از این دسته هستند. آزادی های جمعی، آزادی هایی هستند که در مورد گروهی از مردم صدق میکنند. آن ها شامل آزادی انجمن و آزادی اجتماع مسالمت آمیز هستند.

مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸) به آزادی ارتباط دارد و آن را کاملاً توصیف میکند. در اینجا میتوان واژه ها و استدلال ها را برای توضیح و دفاع از آزادی به عنوان یک اصل و حق مسلم پیدا کرد.

هر فرد حق آزادی فکر، وجدان، و مذهب را دارد؛ این حق شامل آزادی برای تغییر دین یا باور او، و آزادی تنها بودن و یا با دیگران بودن، برای آشکار کردن دین یا باور خود در آموزش، عمل، عبادت است.

هر فرد حق آزادی نظر و بیان را دارد؛ این حق شامل آزادی اعلام نظر بدون دخالت و دنبال کردن آن، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده ها از طریق هر رسانه، بدون در نظر گرفتن مرزها است.

آزادی بیان، دین و انجمن اولین مواردی هستند که به رسمیت شناخته میشوند و تضمین میشوند؛ اما آزادی حرکت آزادانه در داخل اتحادیه اروپا (از سال ۱۹۹۲) اهمیت کمتری ندارد و سزاوار فصل جداگانه ای است. فکر کنید: اتحادیه اروپا به عنوان اتحادیه اقتصادی به دنبال تضمین حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات، و مردم و در مجموع به عنوان "چهار آزادی" به دنیا آمده است.



گاردینان

آزادی عشق

آزادی عشق به این معنی است که دولت‌ها دلیلی برای دخالت در هیجانات و احساسات معنوی انسان‌ها ندارد. دولت نه دوستی‌ها را تنظیم میکند و نه قراردادی را برای دو نفر تجویز میکند که با همدردی متقابل یا عشق متحد شوند. مردم باید با کسی که خودش انتخاب کرده اند ازدواج کنند.

یک سوال باز برای بحث و طوفان فکری: چرا آزادی اینقدر مهم است؟

مهاجران و آزادی

حقوق بین الملل، حق آزادی گردهمایی را برای مهاجران تضمین میکند، تا به طور مؤثری در جامعه مدنی شرکت کنند. با اجازه دادن و تشویق مهاجران به اداره کردن خود، به جای تکیه بر طرفداری و حمایت دیگران، جوامع مهاجر قدرت رسیدگی مستقیم به نیازهای خاص خود را دارد .

نوآوری‌هایی که مهاجران را تشویق میکند که آزادی انجمن خود را اعمال کنند، به مهاجران کمک میکند تا سهم مثبتی در جوامع و کشورهایِ که در آن‌ها زندگی می‌کنند، داشته باشند.

از آنجا که آزادی در همه اشکال آن یک حق انسانی است، نباید تفاوتی بین آزادی‌های یک «خارجی» و آزادی‌های یک شهروند وجود داشته باشد.

همه آزادی‌ها به‌طور خلاصه

آزادی نظر

هر فردی آزاد است که با توجه به احساسات، استعدادها و دانش خود، نظر یا قضاوت داشته باشد.

آزادی بیان

هر فردی می‌تواند ایده‌ها و احساسات خود را به هر وسیله‌ای که مناسب میدانند بیان کند (گفتن، نوشتن، آواز خواندن، هنر)

آزادی انجمن

اجازه می‌دهد تا همه مردم گرد هم بیایند تا ایده‌هایشان را به اشتراک بگذارند و از یک نظر دفاع کنند و یا برای یک دلیل کار کنند

آزادی فکر

آزادی فکر حقی است تا هر کس بتواند آزادانه باورهای خود را تعیین کند.

آزادی وجدان

آزادی وجدان به هر فرد این امکان را میدهد که آزادانه اصول و ارزش‌هایی را که وجود او را هدایت میکنند، تعیین کند.

آزادی دین

آزادی مذهب به هر کس اجازه می‌دهد که دین مورد نظر خود را داشته باشد و آن را آزادانه ابراز کند.

آزادی حرکت

حق حرکت و زندگی آزادانه افراد در داخل اتحادیه اروپا، سنگ بنای شهروندی اتحادیه است که توسط پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ ایجاد شده است. این اشاره به حرکت آزاد مردم در داخل مرزهای کشور خود، ورود خارجی‌ها به کشورها و حرکت آزاد خارجی‌ها در داخل مرزهای کشور دارد.

آنچه شما نیاز دارید:

- نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر.

- اطلاعات مربوط به حقوق و مسئولیت ها (به صفحه بعدی نگاه کنید).

زمان: چهل و پنج دقیقه

چگونه آن را انجام دهید:

1. معرفی مفاهیم آزادی و ظلم
2. تشکیل گروه های سه یا چهار نفری برای شروع فعالیت
3. هر گروه باید فکر/بحث کند (و یادداشت/پاسخ) درمورد موضوعات زیر داشته باشد:

(a) زمانی را در زندگی خود انتخاب کنید که احساس آزادی می کنید و چرا.

(b) به زمانی در زندگی فکر کنید که احساس می کردید مورد ظلم قرارگرفتید و چرا.

(c) زمانی را در زندگی پیدا کنید که به شخص دیگری ظلم کرده اید و چرا.

4. هماهنگ کننده گروه از شرکت کنندگان می خواهد که در یک گروه بزرگ در مورد یادداشت های خود بحث کنند. آیا آنها توانستند لحظاتی را در زندگی خود پیدا کنند که احساس آزادی می کردند؟ چرا آنها اینگونه احساس میکردند؟ آن موقع رفتارشان چگونه بود؟

و وقتی احساس مظلومیت می کردید، چه کاری کردید، چگونه عمل کردید؟ چرا احساس مظلومیت کردید؟ آیا شما قادر به شناسایی زمانهایی بودید که شما به دیگران ظلم کرده اید، چه احساسی نسبت به آن داشتید، چگونه میتوانستید رفتار متفاوتی داشته باشید؟

جمع آوری نظرات در مورد آزادی

هدف: تأمل در معنای «آزادی» و ارائه ابزاری مفهومی برای تحلیل اعتبار حق آزادی شخصی در زمینه جهانی، منطقه ای و ملی.

نکته یادگیری: تجزیه و تحلیل و درک محدوده حق آزادی افراد؛ دانستن جنبه های مربوط به آزادی فیزیکی و آزادی فکر و بیان.

چگونه آن را انجام دهید:

۱. با هماهنگی راهنما، نظرات تمام شرکت کنندگان، پاسخ ها و یا ایده های احتمالی آنها در مورد سوال زیر را جمع آوری کنید:

اینکه یک فرد/همه مردم، حق آزادی داشته باشد به چه معناست؟

۲. گردآوری نظرات شرکت کنندگان و ثبت تعاریف مختلف آزادی.

فعالیت های پیشنهادی برای پرداختن به آزادی

آزادی حیوانات

هدف: این فعالیت به شرکت کنندگان اجازه می دهد تا افکار خود را در مورد آزادی و آنچه که برای آنها بیشترین اهمیت را دارد، به اشتراک بگذارند. این فعالیت انگیزه ای ایجاد میکند که آنها به بحث در مورد آزادی فردی و حقوق دیگران بپردازند.

نکته یادگیری: آزادی های فردی. آزادی جمعی .

به چه چیزی احتیاج دارید:

- یک ورق کاغذ خالی برای هر شرکت کننده

- شاید عکس هایی از حیوانات مختلف (در نظر داشته باشید که عکس ها میتوانند پاسخ های شرکت کنندگان را به تنها حیوانات ارائه شده محدود کنند)

زمان: تا ۱ ساعت (بسته به اندازه گروه ها و انگیزه شرکت کنندگان)

چگونه آن را انجام دهید:

1. ورق های کاغذ خالی را به شرکت کنندگان تحویل دهید.

2. از شرکت کنندگان بخواهید حیوانی را ترسیم کنند که نشان دهنده آزادی برای آن ها باشد (حیوانی که ویژگی هایی دارد که برای آن ها برای ایجاد آزادی ضروری است).

3. هنگامی که شرکت کنندگان حیوان خود را انتخاب کرده اند و آن را کشیدند، از آنها بخواهید تا در مورد رابطه آن حیوان با دیگر حیوانات از همان گونه و با حیوانات از گروه های دیگر تامل کنند. آیا این حیوان برای بدست آوردن آزادی خود نیاز به ظلم/مبارزه با دیگران دارد؟

4. هر شرکت کننده حیوانی که انتخاب کرده است را اعلام میکند و توضیح میدهد که چرا آن نماد آزادی برای او است و چگونگی ارتباط این حیوان با گروه های دیگر را بیان میکند.

5. روی یک تخته سیاه یا نمودار، کلمات مرتبط با آزادی را بنویسید: مثلاً قدرت، نیرو، دانش، طول عمر، سلامتی، چابکی فیزیکی، قدرت های غیر انسانی (پرواز)، امنیت، هوش، سرعت، استقلال و غیره.

حق آزادی

هدف: این فعالیتشان میدهد که ظلم زمانی ایجاد میشود که آزادی های فردی و/یا جمعی نقض شوند.

نکته یادگیری: برای تجدید نظر و تأمل در مفهوم آزادی و ظلم؛ برای تحلیل رفتارهایمان وقتی احساس مظلومیت و یا آزادی می کنیم؛ برای شناسایی اینکه آیا ظلم را تجربه می کنیم یا خیر.

۳/۲ ارزش های دموکراتیک چه هستند؟

از نظر ارزشها، مفهوم اساسی دموکراسی با ایده های برابری قانون (که قانون بدون در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی و غیره به طور مساوی برای همه اعمال میشود)، آزادی های سیاسی (مانند آزادی بیان، مطبوعات و گردهمایی) و امنیت قانونی (تضمین شهروندان در برابر سوء استفاده خودسرانه، غیر قابل پیش بینی دولت) ارتباط نزدیکی دارند.

۳. دموکراسی و مشارکت

مفاهیم دموکراسی و مشارکت با هم ارتباط مستقیم هستند. فرایندهای تصمیم گیری دموکراتیک، مستلزم مشارکت مردم (شهروندان) است زیرا سرنوشت آنها تحت تأثیر این تصمیمات خواهد بود. در تئوری، در یک دموکراسی همه شهروندان حق برابر دارند که نظرات خود را بیان کنند؛ اما همیشه در چارچوب کشورها و دولت هایی که خود را صاحب دموکراسی تعریف میکنند چنین نیست. اصول مختلف و چارچوب های قانونی دموکراسی فرایندهای دموکراتیک را در هر کشور ایجاد می کند.

مفاهیم دموکراسی و مشارکت نمیتوانند به تنهایی نقشی داشته باشند. چند مفهوم دیگر وجود دارد که ذات دموکراسی را تعیین میکند: شهروندی، توانمندسازی، تنوع، جامعیت، چند فرهنگی، کثرت، برخی از آنها هستند. خواهیم دید که این ها چگونه با دموکراسی مرتبط هستند.

واژه دموکراسی به خودی خود به این معنی است: «حکمرانی شده توسط مردم». این واژه از یونانی گرفته شده است: demo = مردم و kratos = قدرت. به این ترتیب این معنای اصلی یک چهارچوب دولتی است، که قدرت و مردم به هم متصل هستند. این واژه در اوایل سال ۵۰۰ پیش از میلاد برای اشاره به شکل جدیدی از حکمرانی سیاسی در آتن به کار میرفت. با این حال دموکراسی کلاسیک آتی قابل مقایسه با دموکراسی های امروزه نیست. آن نوع از دموکراسی بر اساس اصل دموکراسی مستقیم بود، اما تنها بخش کوچکی از جمعیت - مردانی که دارای خانواده بودند - «مردم» محسوب میشدند، در حالی که زنان، کودکان، بردگان، و مهاجران هیچ حقی به عنوان شهروند نداشتند. دموکراسی به هیچ عنوان بر اساس حقوق برای افراد نبود، بلکه برای خانواده ها (برای گروه های خانوادگی) بود.

۳/۱ دموکراسی امروز -- چگونه میتوان آن را تعریف؟

امروزه ما دموکراسی را به عنوان یک شکل دولتی درک می کنیم که در آن هر فرد حق رای دارد و هر رای دقیقاً در انتخابات نهایی «ارزش» یا بهای یکسانی دارد. این در مورد حکمرانی یک جامعه است که در آن دولت سعی دارد اطمینان پیدا کند که همه به دسترسی برابر برای لذت بردن برخوردارند و میتوانند تأثیر در آن جامعه داشته باشند. دموکراسی به توزیع قدرت و با توانمندسازی همه افراد در جامعه ارتباط دارد.

دموکراسی لیبرال - یا دموکراسی مشروطه - امروزه شکل غالب دموکراسی ها را تشکیل میدهد. واژه لیبرال در این ارتباط نباید با استفاده «اقتصادی و ایدئولوژیکی از این واژه، اشتباه گرفته شود. در عوض دموکراسی لیبرال به حقوق مدنی آزادی مرتبط با تفکر دموکراتیک اشاره دارد. دموکراسی های لیبرال میتوانند چارچوب های قانون اساسی متفاوتی داشته باشند، به عنوان مثال جمهوری ها یا سلطنت های مشروطه.

آیا می دانستید که یکی از شرایط ضروری برای عضو شدن در اتحادیه اروپا این است که دولت شکل دموکراتیکی داشته باشد؟

۳،۳ شهروند بودن به چه معنی است؟

"... بسیاری از مردم، به ویژه جوانان، نقش فعالی در ساخت و ایجاد اروپا ایفا میکنند، آنها به آرمان اروپایی و یک جامعه با همبستگی روشن فکرانه، فراگیر و اجتماعی متعهد هستند. برای آنها اروپا به معنی احترام به ارزش های اساسی حقوق بشر و حاکمیت قانون و جایی برای فعال بودن است که در آن زندگی، کار و مطالعه کنند..." (شیلد، هانجو، شیلد، پروا، یولیا & استاکول، ناتالی (۲۰۰۹) "شهروندی اروپا در مراحل ساخت و ساز"

مفهوم شهروندی به طور کلی به عنوان یک پیش نیاز اساسی برای عملکرد دموکراسی تلقی میشود. بنابراین، شهروندی با تعامل و دخالت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و نهادهای اجتماعی از طریق حق رای، جلسات دادرسی، و دیگر روش های تصمیم گیری همراه است. بدون نظر و مشارکت غیرنظامیان، انجمن ها و شبکه های مدنی، ایده اساسی دموکراسی به عنوان یک دولت مردمی ممکن است تضعیف شود. (تامسن، ام. اچ (۲۰۱۹): "شهروندی در یکپارچگی و یادگیری همسطح ها + مشاوره (۲۰۲۱): " کتاب راهنمای معلمان. دستورالعمل های کار پیشگیری)".

اساساً شهروندی در مورد دانستن حقوق و تعهدات خود است و این هنگامی محقق میشود که شما در آن به رسمیت شناخته شده و همچنین متعهد و موظف به کمک به فعالیت های عامل المنفعه باشید. بنابراین، یک نکته بسیار مهم از شهروند بودن آگاهی از

توانمندسازی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن به انسانها فرصت داده می‌شود تا بتوانند از محرومیتها و احساس عدم کنترل بر شرایط زندگی خود جلوگیری کنند و در عوض ظرفیت های جامعه و خود را توسعه دهند. توانمندسازی یک فرایند است که بر افراد مختلف در جوامع تمرکز دارد: یک فرایند مستمر در یک جوامع محلی است که شامل احترام متقابل، بازتابهای انتقادی، مراقبت و مشارکتهای گروهی است که از طریق آن مردمی که محروم از منابع هستند، دسترسی و کنترل بیشتری از منابع را به دست می‌آورند. هدف توانمندسازی ایجاد بسیج اجتماعی و تغییرات درازمدت در شرایط اقتصادی اجتماعی - فرهنگی اجتماعی است که باعث بوجود آمدن مشکلات اجتماعی بوده است.

۳,۶ شهروندی جهانی و شهروند جهان

“زندگی در عصر جهانی شدن نیاز به تمرین در سطح بومی از لحاظ باهم زندگی کردن و درک آن در مورد یک جامعه دارد که در آن شما به صورت بومی و در سطح جهانی به تفاوتها درمورد سنت، زبان، مذهب، عادات و شیوه های زندگی احترام میگذارید، و جایی که شما با وجود این تفاوت ها، آماده حل مشکلات مشترک هستید...” (فیلسوف دانمارکی پیتر کمپ (۲۰۱۳): «شهروند جهان. آرمانهای آموزشی و سیاسی برای قرن ۲۱»، ۲۰۱۳.

از زمان انقلاب فرانسه ایده شهروندان برابر با دولت ملی ارتباط مستقیم داشته است. با این حال، جهانی شدن و یکپارچگی اروپا نشان میدهد که مفهوم شهروندی همان طور که برخی از محققان بیان میکنند، به چند بعد تبدیل شده است. این توسعه نشان میدهد که نیاز به یک تعریف جهانی از شهروندی وجود دارد که برگرفته از اشکال جدید فعالیت‌های شهروند محور، برای ترویج همبستگی از دیدگاه جهانی است. امروزه شهروندی جهانی موضوعی است که در برنامه های درسی در برخی مدارس و زمینه های آموزشی، به منظور تقویت توانمندی دانش آموزان برای درک و تعامل در مورد امور محلی، ملی و جهانی آموزش داده میشود. به عنوان مثال یونسکو آموزش شهروندی جهانی را به عنوان ظرفیت سازی برای توسعه جوامع و انسجام در آن سوی مرزها تعریف میکند. اصطلاح شهروند جهان در واقع به یونان باستان و رم برمیگردد، جایی که کازموپولیتی ها کسانی بودند که خود را هم شهروند شهر می‌دانستند و هم شهروند جهان. امروزه مفهوم شهروندی جهانی شامل احساس تعلق به جامعه بزرگتری در مورد یک بشریت مشترک است. این اصطلاح بر اتصال متقابل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و به هم پیوسته بودن بین سطح محلی، ملی و جهانی تأکید دارد.

اشکال جدید حاشیه نشینی و تفاوت در وضعیت شهروندی، حقوق مدنی و تعهدات در دولت های فردی این سوال را مطرح می‌کند، که آیا ما نیاز به ایجاد مفهوم «شهروندی پسا ملی» داریم که بتواند حقوق بشر و حقوق مدنی را برای شهروندانی که در شرایط شهروندی مدنی بدون دسترسی به حقوق شهروندی رسمی و اتحادیه اروپا تضمین کند. پناهندگان جوان و تازه واردان در کشورهای اروپایی به طور کلی به این شرایط دسترسی ندارند.

تعامل مستمر حقوق و تعهدات نسبت به جامعه و اجتماع است. با این حال، تاریخ به ما نشان میدهد که مفهوم حق ها و تعهدات نسبت به منافع مشترک، حتی در دموکراسی های مدرن، باید هر از چندی دوباره مورد بازدید و ترمیم قرار گیرد. امروزه، پرسش آموزش دموکراتیک، شهروندی فعال، مشارکت مردم و همچنین تعلق و مسئولیت متقابل، موضوعات بحث های داغ و پرشور در سراسر اروپا هستند، به ویژه بعد از جنگ داخلی در سوریه و هجوم پناهندگان. تمرکز جدید بر این که چه کسی شهروند است و چه کسی نیست، نشان دهنده این واقعیت است که همه شهروندان و سیاستمداران اروپایی آماده بودند که پناهندگان را در شرایط نیاز به عنوان شهروندان در نظر گرفته و بپذیرند.

۳,۴ تمایز بین شهروندی رسمی و مدنی

***تابعیت رسمی** به جنبه های حقوقی مرتبط با ملیت رسمی و وضعیت حقوقی اشاره دارد که حقوق و تعهدات مختلف اجتماعی و سیاسی را در رابطه با دولت و جامعه در برمیگیرد. در نتیجه تابعیت قانونی رسمی، موقعیتی است که باید به فرد واگذار شود یا شخص در آن شرایط به دنیا بیاید.

***شهروندی مدنی** به جنبه های هویتی اشاره دارد و با یک موقعیت دیدگاهی و ارتباطی وابسته است، مستلزم تجربه انسجام، یکدستی، عمل و همبستگی با افراد دیگر در جوامع و زمینه های سیاسی و غیره است. در نتیجه شهروندی مدنی غیررسمی، موقعیتی است که باید از طریق عمل و تجربه نشان داده شود.

***تابعیت اتحادیه اروپا**، علاوه بر این، به یک حق قانونی رسمی که کاملاً به شهروندی رسمی ملی مرتبط است اشاره دارد. شهروندی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ با پیمان ماستریخت معرفی شد و اعلام میکند که هر شهروند رسمی، از یک کشور عضو اتحادیه اروپا، تابعیت اتحادیه اروپا را به عنوان مکمل شهروندی ملی خود دارد. شهروندی اتحادیه اروپا طیفی از حق ها از جمله حق اسکان و کار را در تمام کشورهای اتحادیه اروپا فراهم میکند.

۳,۵ توانمندسازی و شهروندی خود مشارکتی

در سالهای اخیر، برخی از محققان موضوع شهروندی خودمشارکتی را به عنوان دیدگاهی برای داشتن شهروندی فعال و متعهد در زندگی روزمره و در جامعه عنوان کرده اند، که میتواند به خودی خود منجر به توانمندسازی و همچنین شناخت مثبت در محیط های اجتماعی شود، حتی اگر هنوز هم برخی باورهای منفی در آن وجود داشته باشد. شهروندی خود مشارکتی و توانمندسازی به معنای استفاده و نشان دادن منابع خود و ارزشهای منحصر به فرد انسانی برای جامعه به عنوان یک شهروند فعال، فداکار و قدرتمند است. (مت کانسالت، (۲۰۱۷): " استراتژی پیشگیری کوکورا برای جوامع برای مقابله با رادیکال سازی (".

وی تصریح کرد: شهروندی به معنی مشارکت و تعامل است. معنی شهروندان یعنی ما باهم هستیم در تعامل با دیگران، وقتی ما با جامعه ای ارتباط داریم که در آن زندگی میکنیم - وقتی در مورد مسائل سیاسی موضع میگیریم - و وقتی برای ایجاد تغییرات و ایجاد ارتباطات وارد عمل میشویم... (زیگوردسان & اسکومانند (۲۰۱۳): "شهروندی در خطر").

فعالیت های پیشنهادی در مورد دموکراسی و مشارکت

شهروندی ها

۱. تعاریف مختلف شهروندی را از متن زیر معرفی کنید.

***تابعیت رسمی** به جنبه های حقوقی مرتبط با ملیت رسمی و وضعیت حقوقی اشاره دارد که حقوق و تعهدات مختلف اجتماعی و سیاسی را در رابطه با دولت و جامعه در برمیگیرد. در نتیجه تابعیت قانونی رسمی موقعیتی است که باید به فرد واگذار شود یا شخص در آن شرایط به دنیا بیاید.

***شهروندی مدنی** به جنبه های هویتی اشاره دارد و به شرایط دیدگاهی و وابستگی مرتبط است، که باعث میشود تجارب جمعیتی، یکدستی، فعالیت و همبستگی با افراد دیگر در جوامع و زمینه های سیاسی بوجود آید. در نتیجه شهروندی مدنی غیررسمی، موقعیتی است که باید فرد آن را تجربه کند و با رفتار نشان داده شود.

***تابعیت اتحادیه اروپا**، به یک حق قانونی رسمی اشاره دارد که کاملاً به شهروندی رسمی ملی مرتبط است. شهروندی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ با پیمان ماستریخت معرفی شد و نشان میدهد که هر فردی که شهروندی یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا است میتواند تابعیت اتحادیه اروپا را به عنوان مکمل شهروندی ملی خود داشته باشد. شهروندی اتحادیه اروپا طیفی از حق ها از جمله حق سکونت و کار را در تمام کشورهای اتحادیه اروپا فراهم میکند.

۲. اجازه دهید شرکت کنندگان در گروه های هشت تایی در مورد درک خود در رابطه با شهروندی بحث کنند:
- تعاریف آن، و کاربرد آن در زندگی روزمره شرکت کنندگان
- درک خود
- تجربه آنها از نظر مشارکت فعال
- انتخابات و رای گیری
- تجربه تعلق در گروه ها و در نگاه گسترده تر، جامعه

۳. از شرکت کنندگان بخواهید که کلمات کلیدی را بر روی پوسته ها بنویسند.

۴. اجازه دهید گروه ها نظرات و یافته های خود را برای همگان به عنوان مبنایی برای بحث های بعدی ارائه دهند.

۵. میتوانید از سیاستمداران جامعه محلی خود برای پیوستن به مجمع عمومی دعوت کنید.

۳,۷ توانمندسازی و شهروندی خودمشارکتی

در سالهای اخیر، برخی از محققان موضوع شهروندی خودمشارکتی را به عنوان دیدگاهی برای داشتن شهروندی فعال و متعهد در زندگی روزمره و در جامعه عنوان کرده اند، که میتواند به خودی خود منجر به توانمندسازی و همچنین شناخت مثبت در محیط های اجتماعی شود، حتی اگر هنوز هم برخی باورهای منفی در آن وجود داشته باشد. شهروندی خود مشارکتی و توانمندسازی به معنای استفاده و نشان دادن منابع خود و ارزشهای منحصر به فرد انسانی برای جامعه به عنوان یک شهروند فعال، فداکار و قدرتمند است. (مت کانسالت، (۲۰۱۷): " استراتژی پیشگیری کوکورا برای جوامع برای مقابله با رادیکال سازی".

وی تصریح کرد: شهروندی به معنی مشارکت و تعامل است. معنی شهروندان یعنی ما باهم هستیم در تعامل با دیگران، وقتی ما با جامعه ای ارتباط داریم که در آن زندگی میکنیم - وقتی در مورد مسائل سیاسی موضع میگیریم - و وقتی برای ایجاد تغییرات و ایجاد ارتباطات وارد عمل میشویم... (زیگوردسان & اسکومانند (۲۰۱۳): "شهروندی در خطر".

توانمندسازی به فرایندی اطلاق میشود که در آن به انسانها فرصت داده می شود تا بتوانند از محرومیتها و احساس عدم کنترل بر شرایط زندگی خود جلوگیری کنند و در عوض ظرفیت های جامعه و خود را توسعه دهند. توانمندسازی یک فرایند است که بر افراد مختلف در جوامع تمرکز دارد: یک فرایند مستمر در یک جوامع محلی است که شامل احترام متقابل، بازتابهای انتقادی، مراقبت و مشارکتهای گروهی است که از طریق آن مردمی که محروم از منابع هستند، دسترسی و کنترل بیشتری از منابع را به دست می آورند. هدف توانمندسازی ایجاد بسیج اجتماعی و تغییرات درازمدت در شرایط اقتصادی اجتماعی - فرهنگی اجتماعی است که باعث بوجود آمدن مشکلات اجتماعی بوده است.



وکتورجویس — Freepick.com

۴. حقوق برابری و اقلیت ها

این ماژول دارای سه محور یا مفهوم متصل پویا است: تنوع، برابری، و اقلیت ها. در پیاده سازی این برنامه یک داده نظری/مفهومی و یک بازتاب بعدی بر اساس یک سوال ضروری وجود دارد: چگونه این مفهوم شخصاً بر من تأثیر میگذارد، برگروهی که من با آن به عنوان یک مولتی پلایر کار میکنم و شهری که در آن زندگی می کنم.

۱, ۴ موضوعاتی که باید به آن پرداخته شود:

1. مفهوم گوناگونی:

- فرهنگ/زمینه های فرهنگی زندگی با هم
- جامعه فراگیر/انحصاری
- جامعیت و ادغام شدن در جامعه

2. مفهوم برابری:

- برابری در مقابل امتیازات

3. مفهوم حقوق اقلیت ها و اقلیت ها:

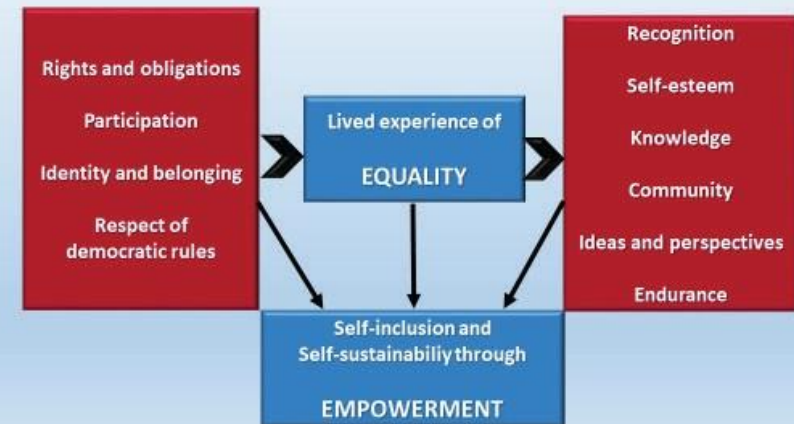
- حقوق زنان/برابری برای زنان
- حقوق مهاجران/برابری برای مهاجران
- نژادپرستی و تبعیض/ضد تبعیض
- تبعیض عمدی و تبعیض سیستماتیک
- اقلیت های مهاجر و آزادی بیان/حق داشتن رسانه به زبان خودشان
- اقلیت ها و قدرت/توانمندسازی اقلیت ها
- حقوق اقلیت ها و مردم بومی
- حقوق فردی و جمعی
- عدم تبعیض و عمل تأییدی
- تنوع قومی و کثرت گرایی
- نژادپرستی و تبعیض
- انواع تبعیض: نژادی، مذهبی، زنان (مبتنی بر جنسیت)، اقلیت های ملی، قومی، مذهبی، و زبانی، کارگران مهاجر و خانواده هایشان، افراد عقب مانده ذهنی، معلولان، افراد مبتلا به بیماری روانی

مولتی پلایرها با چه اقلیت هایی کار میکنند؟

توانمندسازی شهروندان

دموکراسی در مورد توزیع قدرت است!
بحث در مورد چگونگی افزایش توانمندسازی و ایجادکردن دموکراسی

TEACHING CITIZENSHIP AND EMPOWERMENT – WHAT DOES ACTIVE CITIZENSHIP REQUIRE...



حق و وظایف

CITIZENSHIP

is basically about the fact that all citizens are full and equal members of the society and societal community. Citizenship can be estimated from 3 basic dimensions:

RIGHTS AND DUTIES

All citizens are covered by the same fundamental rights and obligations. Are they?

PARTICIPATION

Citizens engage and take part in society and common issues. Do they?

IDENTITY AND AFFILIATION

Citizens perceive and experience themselves as equal members of the societal community. Do they?

Discuss the meaning of the 3 basic dimensions of the citizenship:

What would be the values behind the 3 dimensions?
What would your answers to the questions – and why?

"اصطلاح "گونگونی" میتواند هر معنایی داشته باشد. مثلا اگر بخواهیم در مورد گوناگونی مردم صحبت کنیم میتوانیم این کار را در مورد کودکان از نظر جایی که به مدرسه رفته اند، از نظر بزرگترین، جوان ترین و یا کودک میانی خانواده بودن، ترجیحات غذایی، و سلیقه آنها در مد را انجام دهیم. گوناگونی انسانی همه جا وجود دارد و به خودی خود یک مشکل نیست (...). مشکل واقعی تبعیض و نابرابری های ناشی از آن است" (رقص بر روی اخگرهای آتش توماس/لویز)

جامعیت، مشارکت و توانمندسازی است، جایی است که ارزش و کرامت ذاتی همه مردم به رسمیت شناخته میشود. یک فرهنگ جامع، حس تعلق را ترویج و حفظ میکند؛ به استعدادها، باورها، جنبه ها، و بسیاری از راه های زندگی اعضای آن ارزش میدهد و احترام میگذارد. به این صورت، یک فرهنگ جامع، یک فرهنگ بدون تبعیض است، جامعه ای که به انواع مختلف تبعیض توجه دارد و برای جلوگیری از آن درک خواصی داشته و اقداماتی را برای آن انجام میدهد.

ارزشهای ضد تبعیض فقط مفاهیم یا اصول انتزاعی نیستند؛ از زمان پس از جنگ، برنامه ها و ابزارهای ضد تبعیض سیستماتیک شدند. سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نقش اساسی در این زمینه ایفا کردند.

اتحادیه اروپا به همکاریهای اقتصادی و سیاسی بین المللی در قاره اروپا در بعد از جنگ جهانی دوم توجه نشان داد. اتحادیه اروپا از یک اتحادیه اقتصادی به یک اتحادیه سیاسی بر اساس ارزشهای احترام به کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون و احترام و برای حقوق بشر، از جمله حقوق افراد متعلق به اقلیت ها ارتقا یافت. برای صحبت در مورد جامعیت، ما اول باید در مورد چگونگی عملکرد مکانیسم "محرومیت اجتماعی" صحبت کنیم. "اینکه ما به آن به عنوان چیزی محدود و به طور انحصاری و دائم که به یک گروه خاص ارتباط دارد فکر کنیم، کاملا اشتباه است. محرومیت اجتماعی با روشهای پیچیده تری کار میکنند. انواع مختلف آن اکثرا با یکدیگر همپوشانی دارند، و ممکن است افراد و گروه ها را به روشهای مختلف و گوناگونی تحت تأثیر قرار دهند". یعنی ممکن است یک فرد در عین حال شامل بیش از یک نوع محرومیت باشد. مادران تک سرپرست یک مثال هستند. مادران تک سرپرست بر اساس جنسیت و طبقه اجتماعی به دلیل محرومیت اجتماعی مضاعف کنار گذاشته میشوند، آنها از امتیازات و فرصت هایی که مردان و یا کسانی که شرایط مالی بهتری دارند محروم میشوند. پیامدهای محرومیت اجتماعی در شرایطی که در آن مادران تک سرپرست عضو گروه قومی/مهاجران اکثریت نیستند، بیشتر می شود» (جیمز، رایان، رهبری فراگیر).

خانم آنه بیشاپ در مفهوم کلاسیک "تبدیل شدن به یک هم پیمان" (<https://annebishop.ca/educating-allies/>), رابطه بین طبقه (نابرابری ثروت) و دیگر اشکال ظلم/طرد (نژادپرستی، سن گرایی، سکسگرایی، دگرجنس گرایی، توانایی گرایی، اصالت ملی، مذهب، و غیره) را با ترسیم یک سری خطوط افقی و سپس یک سری خطوط مورب توضیح میدهد. خطوط افقی نشان دهنده کلاس و مورب نمایانگر بسیاری از انواع ظلم و ستم است. خطوط مورب از تمام خطوط افقی عبور میکنند اما به شدت بر سطوح پایین تر تأثیر خواهند گذاشت. "نژادپرستی همه افراد رنگین پوست را تحت تأثیر قرار میدهد، مهم نیست که طبقه آنها چه باشد، اما کسانی را که در طبقات بالاتر هستند کمتر از طبقات پایین تر تحت تأثیر قرار میدهد، زیرا کسانی که ثروت و قدرت دارند می توانند از منابع خود برای کاهش تأثیرات نژادپرستی در زندگی خود استفاده کنند"

تبعیض برای «پیروز شدن» به چه چیزی نیاز دارد؟

اساس هر گونه تبعیض، اعلام برتری یک گروه از مردم بر گروه دیگر، به شکلهای مختلف قدرت است (این قدرت میتواند از ثروت، سلاح، اطلاعات، قوانین و غیره بدست آید). کلیشه ها ابزارهای مهم تبعیض هستند که به مردم اقلیت بیشتر آسیب میرساند.

۲,۴ گوناگونی چیست؟

«همه انسان ها در سطح جهانی برابرند و به طور خاصی با هم متفاوت هستند. برابری جهانی و تفاوت های خاص باید مورد احترام قرار گیرند»

سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر

امروزه همه جوامع با افزایش سطوح چند فرهنگی مشخص میشوند، افرادی که از کشورها و فرهنگهای مختلف می آیند همسایه هستند، آنها در همان شرکت کار میکنند، بچه هایشان در همان مدرسه حضور دارند و در همان تیم فوتبال بازی میکنند. در سطح جهانی، مناطق و کشورها دارای وابستگی متقابل فرهنگی و اقتصادی قوی هستند و تماس و تأثیرات متقابل، یک واقعیت غیر قابل توقف است. گوناگونی در جوامع اروپایی امروزی نشان میدهد که جوامع به اندازه ای که اغلب ادعا میشود همگن نیستند.

اما چند فرهنگی بودن تنها یک جنبه از گوناگونی است. جامعه از نظر جنسیت، سن، گرایش جنسی، سبک زندگی، شیوه های زندگی، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، آموزش ها، مهارت ها و مهارت های حرفه ای، انتخاب کسب و کار، سرگرمی، همدردی های سیاسی، الگوهای مصرف و غیره تنوع زیادی دارد.

همچنین: گوناگونی فقط به دیدگاههای چند فرهنگی ختم نمیشود. گوناگونی مجموعه ای از تفاوتهای انسانی است، که شامل نژاد، قومیت، جنسیت، هویت جنسیتی، گرایش جنسی، سن، طبقه اجتماعی، توانایی فیزیکی، یا انگیزه، نظام ارزش های مذهبی یا اخلاقی، اصالت ملی، و باورهای سیاسی است.

با افزایش امید به زندگی و افزایش سن، گوناگونی افزایش مییابد. تفاوتهای سی در محیط کار در بین چندین گروه سی و نسلها روز به روز در حال افزایش است. به این ترتیب بسیاری از شهروندان با همکاری کار میکنند که به طور متفاوتی تحصیل کرده اند و ایده های کاملاً جدیدی دارند که میدانند چگونه میتوان همان کار را به بهترین وجه انجام داد.

ما تفاوتها را یک مشکل نمیبینیم بلکه این یک قابلیت است که چندین دیدگاه مثبت و مفید برای افراد و همچنین به طور کلی برای یک جامعه خواهد داشت. جوامع گوناگون چندین دیدگاه مختلف را در مورد وظایف و چالشهای مشترک خواهند داشت، که میتوانند قابلیت های جدیدی را بوجود آورند و چیزها/مشکلات/واقعیت را از جنبه های مختلف درک کنند. تبادل دیدگاه ها، همدلی و گفتگوی دموکراتیک میان احزاب مخالف افق ها و بازخوردهای جدیدی را ایجاد میکند و میتواند دموکراسی را تقویت کند.

در این زمینه شناخت و احترام به حقوق گروههای اقلیت (یا گروه هایی که لزوماً کوچک نیستند، اما قدرت کمتری دارند یا هیچ قدرتی ندارند) موضوع حقوق بشر و برابری است.

درک گوناگونی و چند فرهنگی بودن، پایه و اساس پرداختن به نژادپرستی، تبعیض و تعصب به شیوه ای مؤثر و پایدار است.

ظلم های مورب: نژادپرستی، جنسیت گرایی، دگرجنس گرایی، تبعیض بر اساس ناتوانی، اصالت، مذهب و غیره.

۴,۳ برابری چیست؟

گونگونی به معنی شناخت، احترام و ارزش به تفاوت ها در مردم است.

برابری به معنی فراهم کردن فرصتها و منابع برابر برای همه و محافظت از مردم در برابر تبعیض به دلیل سن، قومیت، وضعیت اقتصادی اجتماعی، گرایش جنسی، جنسیت، مذهب، باورها، زبان، آموزش و پرورش و غیره اشاره دارد.

برای داشتن برابری باید هر فرد فرصت برابر برای ساخت بهتر زندگی و استعدادهای خود را داشته باشد. هیچ کس نباید به دلیل نوع به دنیا آمدن، جایی که از آن می آید، آنچه را که باور دارد، یا اینکه داشتن معلولیت، زندگی فقیرتری داشته باشد. سه شاخص وجود دارد که امکان «اندازه گیری» درجه برابری در یک جامعه را ایجاد میکند:

(a) فقدان امتیازات ویژه در جامعه.

(b) وجود فرصتهای کافی و برابر برای پیشرفت همه مردم.

(c) رضایت برابر از نیازهای اساسی برای همه

برابری برعکس تبعیض است. هر گونه اقدام علیه هر یک از انواع مختلف تبعیض، اقدامی به نفع برابری است.

اگر به عنوان مثال تبعیض جنسیتی را در نظر بگیریم که زنان را در موقعیتی نامطلوب قرار میدهد، میتوانیم برخی اقدامات/نگرشهای را انجام دهیم تا به ایجاد برابری بیشتر کمک کند (اگر قانونی نیز وجود داشته باشد که در ساختار فرهنگ ها وارد شود، میتواند آن ها را برابرتر کند).

از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی نابرابری ناشی از عدم تعادل قدرت است. تبعیض را میتوان از طریق توزیع درآمد، دارایی، دسترسی به خدمات اجتماعی، قدرت و تصمیم گیری ها از بین برد. انتقال قدرت چیزی است که فرهنگ ها را متحول میکند و مردم را قادر میسازد که از شرایط آسیب پذیری خارج شوند.

۴,۴ تبعیض چیست؟

تبعیض را میتوان به طور خلاصه به عنوان رفتار غیرقانونی و نابرابر تعریف کرد، به این معنی که با یک فرد به دلیل تعلق به یک «دسته» خاص، (جنسیت و قومیت، سن و جنسیت، گرایش جنسی، و قومیت و غیره) به عنوان حقیر یا محروم از چیزی رفتار شود. از سوی دیگر، برخی افراد از امتیازاتی برای تعلق به گروه ها/دسته های اجتماعی خاصی برخوردارند. تبعیض و امتیاز دو طرف سکه نابرابری است.

تبعیض در رفتارهای فردی و یا در روال اجتماعی/نهادی اتفاق می افتد. قوانین، هنجارها، رویه هایی که «عادی» و بی ضرر در نظر گرفته میشوند، میتوانند فوق العاده تبعیض آمیز باشند.

فشارها

۵، ۴ اقلیت چیست؟

یک گروه اقلیت، با تعریف اصلی خود، به گروهی از مردم اطلاق میشود که شیوه ها، نژاد، مذهب، قومیت یا ویژگی های آنها کمتر از گروه های اصلی آن طبقه بندی ها است. با این حال، در جامعه شناسی امروزی، یک گروه اقلیت به دسته ای از افرادی اطلاق میشود که در مقایسه با اعضای یک گروه اجتماعی غالب، محرومیت های نسبی را تجربه میکنند. عضویت در گروه های اقلیت معمولاً بر اساس تفاوت در ویژگیهای قابل مشاهده یا شیوه های رفتاری هستند، مانند: قومیت، نژاد، مذهب، گرایش جنسی، یا ناتوانی.

بسیار مهم است که بتوانیم تشخیص دهیم که یک فرد ممکن است همزمان در گروههای اقلیت متعددی (مانند، اقلیت نژادی و مذهبی) قرارگیرد. به همین ترتیب، افراد نیز ممکن است شامل یک گروه اقلیت به دلیل برخی ویژگی ها باشند، اما به واسطه ویژگی های دیگرشان به یکی از گروههای اکثریت تعلق گیرند.

اصطلاح «گروه اقلیت» اغلب در درون گفتمان حقوق مدنی و حقوق جمعی شنیده میشود، چرا که احتمال رفتارهای متفاوت با اعضای گروههای اقلیت در کشورها و جوامعی که در آن زندگی میکنند بسیار زیاد است. اعضای گروههای اقلیت اغلب در زمینه های متعدد زندگی اجتماعی از جمله مسکن، اشتغال، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش با تبعیض مواجه هستند.

از آنجاییکه تبعیض ممکن است توسط افراد صورت گیرد، این امکان وجود دارد که از طریق نابرابری های ساختاری که در آن حقوق و فرصت ها به طور مساوی برای همه قابل دسترس نیستند نیز رخ دهد. اصطلاح «حقوق اقلیت» اغلب برای بحث در مورد قوانینی استفاده میشود که بتوان از گروه های ضعیفتر در مقابل تبعیض حمایت کرد و شرایط اجتماعی برابر با گروههای قویتر جامعه را فراهم کرد.

در بیشتر جوامع، تعداد جمعیت مردان و زنان تقریباً برابر است. به این معنی که زنان اقلیت قاطع محسوب نمیشوند، با این حال وضعیت زنان به عنوان یک گروه زیردست کاملاً پذیرفته شده و باعث شده تا بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی به این موضوع بپردازند. اگرچه حقوق و وضعیت قانونی زنان در کشورهای مختلف کاملاً متفاوت است، اما زنان در مقایسه با مردان در اکثر جوامع نابرابری های اجتماعی بیشتری را تجربه میکنند. زنان اغلب از آموزش و پرورش و داشتن فرصت های اقتصادی مشابه در مقایسه با مردان محروم هستند و معمولاً در معرض خشونت بیشتری هستند.

اقلیت گروه غالب جامعه، که تسلط گروه برتر جامعه نیز نامیده میشود، یک گروه اقلیت هستند که با وجود داشتن بخش کوچکی از جامعه، تسلط سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی بسیاری در یک کشور دارند (یک اقلیت جمعیتی).

تبعیض تأثیر بسیار منفی بر احساس شهروندی و حس برابری دارد. اگر چه تجربه تبعیض همیشه نمیتواند بدون محاکمه جرم تلقی شود، اما در واقع تأثیر بسیاری بر انسجام و اجتماع دموکراتیک یک جامعه دارد. از این منظر، تبعیض ادراک شده/تجربه شده جنبه عینی نیز دارد، مثلاً زمانی که تجربه طرد و نابرابری در بدترین حالت میتواند باعث به پشت کردن برخی از شهروندان به جامعه و در نتیجه پیوستن به گروههای جنایتکار یا افراطی شود.

تبعیض نه تنها در بخشهای جداگانه، در بین افراد رخ میدهد، بلکه در ساختارهای اجتماعی- فرهنگی مانند قوانین و سنت ها که به آن «مشروعیت» میدهد، نیز پنهان است.

تبعیض سیستماتیک (که تبعیض ساختاری یا نهادی نیز نامیده میشود) به تعاملات پیچیده نظام های اجتماعی در مقیاس های بزرگ، شیوه ها، ایدئولوژی ها و برنامه هایی اطلاق میشود که پی عدالتی ها را برای اقلیت ها یا گروه های ضعیف تر تولید و تداوم می بخشند. نکته کلیدی نژادپرستی ساختاری یا سیستماتیک این است که این مکانیسم های در سطح کلان مستقل از باورها و اعمال افراد عمل میکنند، به طوری که حتی اگر نژادپرستی فردی وجود نداشته باشد، شرایط نامطلوب و نابرابری ها برای اقلیت های نژادی همچنان وجود خواهد داشت. مثال ها: تبعیض مسکن، نظارت دولت، تفکیک اجتماعی، پیشداوری نژادی، بانکداری غارتگرانه، دسترسی به بهداشت و درمان، شیوه های استخدام/ارتقاء هستند.

تبعیض بین فردی (که تبعیض فردی نیز نامیده میشود) بین افراد اتفاق می افتد. اعتقادات، نگرش ها و اقدامات فردی که از تبعیض حمایت میکنند یا آنها را دایمی میکنند میتوانند در دو سطح ناخودآگاه و آگاهانه و همچنین در هر دو شکل فعال و منفعل اتفاق بیفتند.

راه های ترویج برابری جنسیتی در زندگی روزمره:

*تقسیم کردن کارهای خانگی و مراقبت از کودکان به صورت برابر....

آگاه بودن از علایم خشونت خانگی....

*حمایت از مادران و والدین

محکوم کردن نگرش های نژادپرستانه و میهن پرستانه تعصبی....

*کمک به زنان در بدست آوردن قدرت....

*گوش کردن و تامل کردن....

*استخدام گروه های متفاوت....

پرداخت (و تقاضا) حقوق و دستمزد یکسان برای *کار برابر....

چگونه آن را انجام دهید:

۱) به هر شرکت کننده تکه های کاغذی را که روی آنها گل هایی را کشیده اید بدهید.

۲) توضیح دهید که ما از نماد یک گل برای نشان دادن چند مورد مهم هویتی خود و رابطه آنها با قدرت استفاده خواهیم کرد.

۳) مرکز گل آن فرهنگی است که ما در آن زندگی میکنیم و هر گلبرگ نشان دهنده شکلی از هویت شخصی ما است. در مورد هر دسته و ویژگی های کسانی که بیشترین قدرت را در جامعه دارند به صحبت بپردازید.

۴) از شرکت کنندگان بخواهید نقطه ای را روی هر گلبرگ علامت گذاری کنند. آن نقطه - نزدیک ترین یا دورترین نقطه از مرکز قدرت - نشان میدهد که از دید آنها، آن دسته چقدر قدرت دارند. هر چه نقطه نزدیکتر باشد، این فرد قدرت بیشتری را تجربه میکنند. و هر چه از مرکز دورتر باشد، محرومیت بیشتر میشود.

۵) به شرکت کنندگان ۱۰ دقیقه فرصت دهید تا گل های خودشان را بکشند و علامت گذاری کنند:

**چند تا از ویژگی های شخصی شما از هویت غالب فاصله دارد؟*

**کدام ویژگی ها را نمی توان تغییر داد؟*

**این مورد در رابطه با قدرت یا توان خودتان برای اعمال قدرت به چه صورت است؟*

** چگونه ممکن است این کار روی شما به عنوان یک مولتی پلایر تاثیر بگذارد؟*

در گروه های کوچک -- عمیق تر شوید :

**این تمرین در مورد ما به عنوان یک گروه چه چیزی را نشان میدهد؟به ویژه: تفاوت ها و شباهت ها در*

رابطه با قدرت غالب چه هستند؟ چگونه میتوانند کار ما را تحت تاثیر قرار دهد؟

**این تمرین در مورد هویت و قدرت به معنای گسترده تر به ما چه میگوید؟*

در گردهمایی عمومی:

۱) ارائه و بحث در مورد پاسخ ها از گروه های کوچک.

۱) ترکیب ایده های کلیدی و تفکر عمیق به واکنش ها، به عنوان مثال، تاکید بر این که هر یک از ما از جنبه های مختلف دارای یک هویت پیچیده است و کسانی که با استفاده از قدرت بیش از حد – به عبارت دیگر روش ستمگرانه از قدرت -- و وجود این تفاوتها ما را در برابر یکدیگر به چالش میکشند، و یا به تبعیض در برابر یک گروه بزرگ از مردم و ایده ها بوجود می آورند.

ما هم زمان، عضو بیش از یک جامعه هستیم و به همین صورت میتوانیم ظلم و برتری را تجربه کنیم. همان طور که برخی دانشگاهیان میگویند، ما دارای هویت های متعدد و ویژگی های اجتماعی متعددی هستیم. ما به عنوان مثال هویتهای حرفه ای و هویت هایی به عنوان همسر یا مادر داریم. این روش چگونه کار میکند؟ یک دکتر در حرفه اش مورد احترام است اما ممکن است در زندگی خصوصی اش دچار خشونت خانگی باشد. او برتری و افسردگی را همزمان میتواند تجربه میکند. تقاطع، یک ابزار تحلیلی برای مطالعه، درک، و پاسخ به راه هایی است که جنسیت با دیگر ویژگی ها یا هویت های اجتماعی تداخل میکند و به تجربه های خاص ظلم و برتری را ایجاد میکند. همانطور که یک برنامه نویسی که جنسیت را در نظر نمیگیرند به احتمال زیاد شکست میخورند، ابزارهایی که که مردم را به دسته های ساده مانند "فقیر"، "جوان"، "روستایی"، و غیره قرار میدهند نیز شکست میخورند. با تأمل در مورد چگونگی فعالیت این جنبه های متعدد در زندگی خودمان، میتوانیم حس بهتری از خودمان و رابطه مان با قدرت بدست آوریم و بفهمیم که این عوامل چگونه بر دیگران تأثیر میگذارند. از آنجایی که همه افراد از ویژگی‌های متفاوتی تشکیل شده‌اند، ما باید نقاط ارتباط و کنش را با افراد در بین این تفاوت‌ها پیدا کنیم تا بتوانیم با انواع تبعیض‌هایی که با آن مواجه هستیم، چه به دلیل طبقه، نژاد، جنسیت، سن و غیره، مقابله کنیم.

فعالیت های پیشنهادی برای برابری و حقوق اقلیت ها

گل قدرت

در بحث اقلیت ها و جداسازی اجتماعی، مهم این است که به این موضوع بپردازیم که اقلیت بودن سوالی متعلق به یک گروه کوچک عددی نیست، بلکه از نظر میزان قدرت در یک گروه خاص /فرهنگ/کشور است. به همین دلیل ما استفاده از گل قدرت برای این موضوع را توصیه میکنیم. این فعالیت نشان میدهد که یک فرد با توجه به ویژگی های شخصی (جنسیت، سن، مذهب، آموزش، سلامت، رنگ پوست و غیره) چقدر به آن مرکز قدرت نزدیک است. اگر گروه ها از مهاجران تشکیل شده اند، از شرکت کنندگان بخواهید که خود را در یک گل بر اساس جایی که در کشور خود ایستاده اند و در گل دیگری در کشوری که در حال حاضر در آن زندگی میکنند قرار دهند.

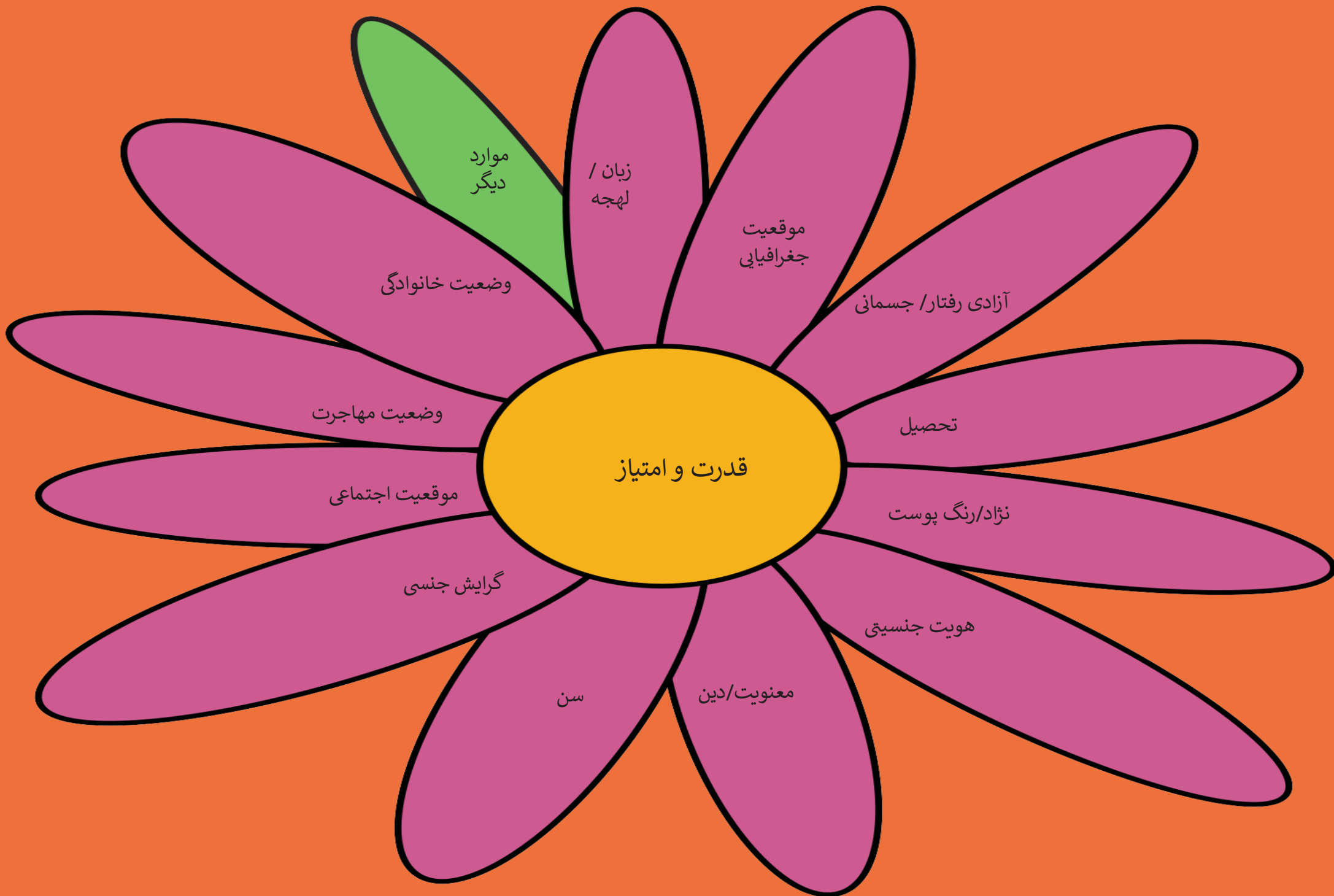
«گل قدرت» یک ابزار خوداندیشی است که توسط محققان تغییرات اجتماعی کانادا ابداع شده و در مجله آموزش برای ایجاد تغییر (۱۹۹۱) منتشر شده است. این ابزار به ما کمک میکند تا در مورد جنبه های هویتی خود در رابطه با مرکز قدرت/ارزش در جامعه تأمل کنیم. هر گلبرگ گل نشان دهنده یک نوع یا دسته هویت اجتماعی است.

هدف از این تمرین این است که در مورد نزدیکی، یا دوری، هر یک از جنبه های هویتی ما به قدرت/ارزش تامل کنیم و ببینیم چگونه جنبه های هویت ما با هم در تعامل هستند. ما میتوانیم با همکاری گروه هایی که درطول تاریخی و در حال حاضر در جامعه به حاشیه رانده شده و یا محروم شده اند، از این آگاهی برای پرداختن به نظرات انتقادی، بدون سوگیری و استراتژیکی استفاده کنیم.

بررسی اجمالی: هر یک از ما هویت های متعدد و حساسی داریم که به شکل گیری زندگی ما کمک می کند. برای تشکیل هویت ما، که چه کسی هستیم و با چه چالش ها و تناقضاتی مقابله میکنیم، جنسیت، نژاد، قومیت، سن، آموزش و پرورش، با هم تداخل و تعامل دارند.

هدف: گل قدرت به بررسی هویت های متقاطع و جنبه های ظلم و برتری در آن میپردازد و نشان میدهد که چگونه قدرت همیشه در ارتباط و پویا است. هویت های متقاطع توانمندی ما را به قدرت تبدیل میکند و باعث میشود ما به مدیران و رهبران قانع کننده، مشارکتی و تغییر دهنده تبدیل شویم. با تأمل در مورد نحوه عملکرد این نیروها در زندگی مردم، درک ما از عواملی مانند تأثیر هویت، قدرت، تبعیث و طرد شدگی بر خودمان به عنوان افراد جامعه و استراتژی های تغییر اجتماعی، عمیق تر خواهد شد. ما متوجه می‌شویم که برای حل بی عدالتی های زمان خود باید این نیرو ها را در ایجاد هویت مان قویتر کنیم تا بتوانیم راهکارها و استراتژی های منسجم تری بسازیم.

گل قدرت، می‌تواند برای تجزیه و تحلیل لایه های مختلف هویت ما از لحاظ شخصی و اجتماعی و همچنین سازمانی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. بسته به زمان، ممکن است فقط بخواهید روی بعد اجتماعی تمرکز کنید و جنبه های سازمانی و سیاسی را فقط به طور خلاصه ذکر کنید.



- چرا برخی افراد *بیشتر* (یا کمتر) از دیگران دریافت کردند؟ معیارها چه بودند؟

- چه احساسی داشتید که بیش از دیگران به دست آوردید؟ کمتر از دیگران بدست آوردن چه احساسی داشت؟

- آیا این نوع تبعیض در مکان های کاری در کشور یا جامعه شما اتفاق می افتد؟

سپس، در مورد پرداخت دستمزد بر اساس جنسیت صحبت کنید:

- آیا میتوان دستمزدهای مختلف برای یک کار یکسان را پرداخت کرد، زمانی که توسط یک مرد و یا یک زن

انجام میشود، آیا این قابل توجیه است؟ چرا؟ چرا که نه؟ چه زمانی؟

- اگر مردی کار را بهتر از یک زن انجام دهد چه؟ آیا این دلیل برای پرداخت کمتر به زن کافی است؟

- اگر مرد از زن واجد شرایط تر باشد، آیا توجیه خوبی است که باید پول بیشتری به او پرداخت شود؟

- آیا فکر میکنید مشاغلی وجود دارند که باید منحصراً توسط مردان انجام شوند؟ چرا؟ چرا که نه؟ اگر بله،

کدام شغل؟

- آیا فکر می کنید مشاغلی وجود دارند که باید منحصراً توسط زنان انجام شوند؟ چرا؟ چرا که نه؟ اگر بله، کدام

شغل؟

- به نظر شما میتوان عمل تأییدی (یا تقویت مثبت) را برای تغییر نگرش های اجتماعی توجیه کرد؟

در نهایت در ادامه در مورد پرداخت دستمزد بر اساس سن صحبت کنید:

- آیا سیاسی برای دستمزدهای مختلف بر اساس سن در کشور شما وجود دارد؟ اگر نه، فکر می کنید باید

وجود داشته باشد؟

- اعمال این نوع سیاستها به ویژه در مورد جوانان چه منطقی دارد؟

- نظر شما در مورد این نوع سیاستها چیست؟ خوب است؟ بد است؟ لازم است؟ غیر ضروری است؟ دلایلی

ارائه دهید.

- کدام حقوق بشر نقض شده است یا در در خطر است؟

- چگونه مردم میتوانند این حقوق ها را مطالبه کنند؟

دستمزدهای مختلف

این یک شبیه سازی است که مردم را با واقعیتهای بازار کار روبه رو میکند. این موضوع به مسائل مربوط به دستمزدهای مختلف در مورد یک شغل، تبعیض در محیط کار و سیاستهای پرداخت دستمزد کمتر برای کارگران جوان میپردازد.

اهداف: هدف این است که شرکت کنندگان را با واقعیت های تبعیض در محیط کار مواجه کند، مهارت هایی را برای پاسخ به بی عدالتی و همچنین دفاع از حقوق، و ترویج همبستگی، برابری و عدالت ایجادکند.

مواد موردنیاز

- ۱ نسخه از "نرخ دستمزد کارگران"

- برچسب ها، یکی برای هر شرکت کننده/ کارگر

- ژتون های پول .

آماده سازی

- برچسبها را آماده کنید. آنها ها باید تنها جنس و سن کارگران را (برای مثال ۴۶ یا ۴۱M) نشان دهند. از لیست نرخ دستمزد کارگران برای مرجع استفاده کنید.

- به یک کار عملی فکر کنید که شرکت کنندگان بتوانند انجام دهند. هر گونه تجهیزات و یا مواد که آنها نیاز به آن دارند را تهیه کنید.

چگونه آن را انجام دهید:

۱) به شرکت کنندگان توضیح دهید که کارگر هستند و باید کاری را برای کارفرمای خود (شما!) انجام دهند. آنها نباید نگران باشند؛ به همه دستمزد پرداخت خواهد شد. شما با برده داری موافق نیستید!

۲) برچسب های آماده شده را به صورت تصادفی، یکی به هر شرکت کننده بدهید.

۳) کار را توضیح دهید و مطمئن شوید که همه فهمیده اند که چه کاری باید انجام دهند. این کار باید برای هر کارگر یکسان باشد (کاری را انتخاب کنید که توسط چند نفر به طور همزمان انجام شود، بنابراین منتظر ماندن و تماشا کردن برای بقیه افراد خسته کننده نمیشود).

۴) بگذارید همه کار کنند!

۵) هنگامی که وظایف همه به پایان رسید، از آنها بخواهید که صبر کنند تا به آنها دستمزد پرداخت شود. به هر فرد با توجه به سن و جنست خود همانطور که در لیست نرخ دستمزد کارگران ذکر شده است، پرداخت کنید. شما باید پول را با صدای بلند بشمارید تا همه بتوانند بشنوند و همه از میزان دریافتی افراد دیگر آگاه شوند.

۶) اگر شرکت کنندگان شروع به پرسش یا شکایت کردند، «دلایل» مختصری ارائه دهید، اما از بحث کردن اجتناب کنید.

- برای بررسی، بحث را به صورت مرحله ای انجام دهید. با مروری بر خود شبیه سازی شروع کنید:

چه احساسی داشتید که باوجود اینکه همه یک کار را انجام دادند شما بیشتر (یا کمتر) نسبت به سایر کارگران دریافت کردید؟

۵. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون بخش بسیار مهمی از نظام حقوقی بین المللی است.

«حاکمیت قانون یک اصل حکومتی است که در آن همه افراد، مؤسسات و نهادها، اعم از دولتی و خصوصی، از جمله دولت به خودی خود، در برابر قوانینی که علناً ابلاغ می‌شوند، به طور مساوی اجرا می‌شوند. و مستقلاً مورد قضاوت قرار می‌گیرند، پاسخگو هستند و با حقوق بشر، هنجارها و استانداردهای بین المللی سازگار هستند.» (سازمان ملل متحد)

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲ خود، همه را از «کلیه حقوق و آزادی‌های» مندرج در این اعلامیه برخوردار می‌کند و اشاره می‌کند که «هیچ تمایزی نباید براساس وضعیت سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمین یک فرد در جامعه وجود داشته باشد، خواه آن فرد مستقل باشد، قابل اعتماد، غیر خود مختار یا تحت هر محدودیت دیگری از حاکمیت باشد.» به منظور مؤثر ساختن برابری و تضمین حقوق و آزادی‌ها (که همانطور که دیدیم، مسئولیت‌ها و محدودیت‌هایی به آنها تعلق می‌گیرد) یک چارچوب قانونی در زمینه بین المللی و اروپایی وجود دارد. (به فهرست طولانی کنوانسیون‌ها از پس از جنگ مراجعه کنید) اگرچه همه کشورهای اروپایی به یک طیف از کنوانسیون‌های بین المللی ملحق نمی‌شوند، اما الحاق به کنوانسیون سازمان ملل به این معناست که کشورها موافقت می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که قوانین و رویه‌های ملی با الزامات کنوانسیون مطابقت دارد. در عین حال، این بدان معناست که شهروندان در صورت تخلف، می‌توانند کنوانسیون‌ها را در مراجع اداری و دادگاه‌های ملی قابل اجرا کنند. علاوه بر این، امکان درخواست به اصطلاح فردی وجود دارد که افراد می‌توانند مستقیماً به سازمان ملل شکایت کنند.



به گفته دایسی مفهوم 'حاکمیت قانون' اساس قانون اساسی انگلیسی را تشکیل می‌دهد و دارای سه معنی است: ۱. برتری قانون؛ ۲- برابری در برابر قانون؛ و ۳. برتری روحیه قانونی

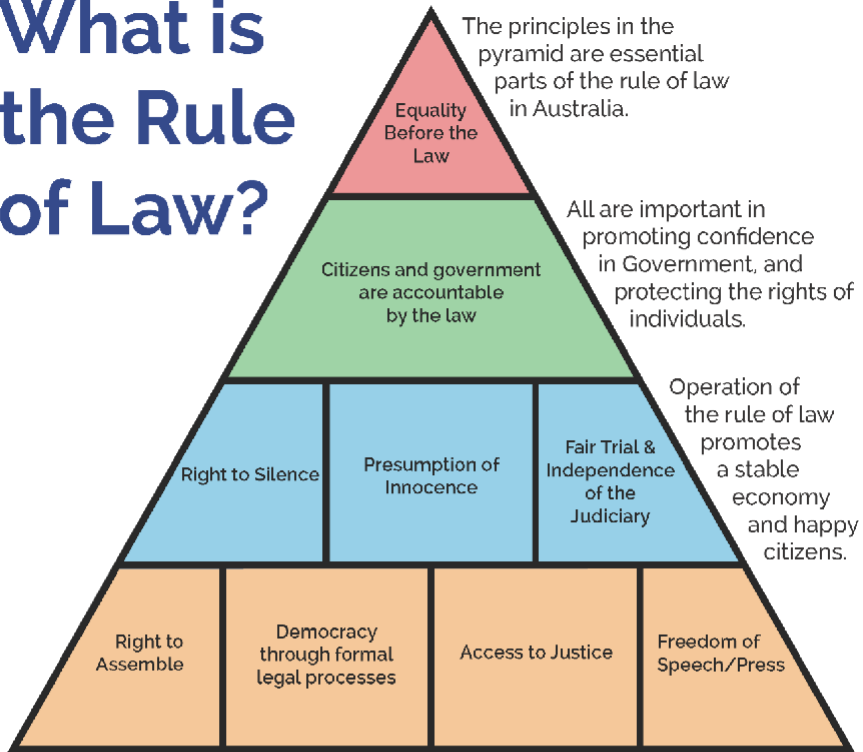
همچنین اقداماتی را برای اطمینان از پایبندی به اصول نیاز دارد:

- ۱) برتری قانون
- ۲) برابری در برابر قانون
- ۳) پاسخگویی به قانون
- ۴) انصاف در اجرای قانون
- ۵) جداسازی قدرت
- ۶) مشارکت در تصمیم‌گیری (مجلس/دموکراسی)
- ۷) قاطعیت حقوقی، اجتناب از خودسرانه بودن و شفافیت رویه ای و قانونی.

حاکمیت قانون به این معنی است که همه افراد تابع قانون هستند، حتی افرادی که قانونگذار، مقامات مجری قانون و قاضی هستند. این شرایط، در مقابل استبداد یا الیگارش می‌ایستد که در آن حاکمان بالاتر از قانون قرار می‌گیرند.

هیچ کس بالاتر از قانون نیست، هیچ کس بیرون از قانون نیست.
(خواندنش دشوار است)

What is the Rule of Law?



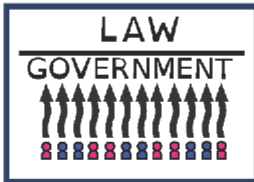
The rule of law is a legal concept which requires the use of power to be controlled by the law to ensure equality before the law.

Maintaining the rule of law is often noted as being the best way to preserve human rights.



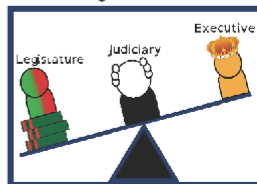
If people believe the law is unjust, they may not want to follow it. Ideally people should feel the law is just and want to follow it.

The process of changing the law through democratic processes ensures that the law remains up to date with the needs of society.



The separation of powers in Australia ensures that power is balanced between the three arms of government and that there are checks on their use of power.

The Judiciary is especially important in ensuring the integrity of the Australian Constitution and that the Legislature and Executive act according to the law.



فعالیت پیشنهادی برای حاکمیت قانون

تجزیه و تحلیل هرم

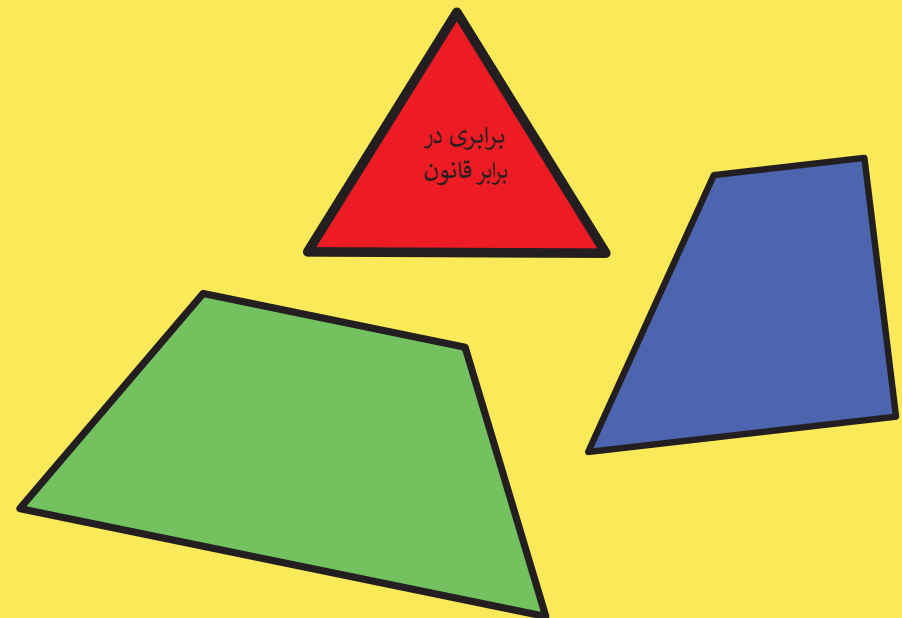
هدف: درک مفاهیم حاکمیت قانون
زمان: حدود ۴۰ دقیقه طول میکشد

چگونه آن را انجام دهید:

- ۱) یک کپی بزرگ از قانون هرم چاپ کنید.
- ۲) قسمت های مختلف را تقسیم و قطع کنید.
- ۳) یک قسمت به هر فرد در گروه بدون نشان دادن متن بدهید.
- ۴) آنها را به چالش بکشید تا در مورد آنچه که در مورد مفاهیم فکر میکنند صحبت کنند.
- ۵) هرم را با مفاهیم مختلف بازسازی کنید.

سوالات:

- *حاکمیت قانون چیست؟
- *آیا قانون برای همه یکسان است؟ چه کسی یا چه چیزی حکم این برابری را صادر میکند؟
- *چه کسی حاکمیت قانون را اجرا میکند؟
- *دموکراسی در حاکمیت قانون چه نقشی دارد؟



کتابشناسی

* درک حقوق بشر. راهنمای آموزش حقوق بشر. ویرایش شده توسط ولفگانگ بندیک، آموزش اروپایی. و مرکز تحقیقات حقوق بشر و دموکراسی. انتشارات علمی جدید، گراتس ۲۰۱۲.

* دیدگاه جدید روشهای آموزشی! جامعه مهاجران و معلمان. یاسمین کاراکاش اوغلو، ژانت گدار و پل مچریل. بلژ، بازل، ۲۰۱۹

* Confianza y temor en la ciudad. Vivir con extranjeros. زیگمونت باومن. آرکادیا، بارسلونا ۲۰۰۵

* سیاست گنجانند و حذف. مهاجرت و یکپارچگی اجتماعی، دانشگاه وین، انتشارات دانشگاه وین، وین ۲۰۱۳

* قطب نما راهنمای آموزش حقوق بشر با جوانان. انتشارات شورای اروپا، مجارستان ۲۰۱۲.

* مبارزه با تبعیض مجموعه ای از اسناد بین المللی که توسط سیستم سازمان ملل متحد پذیرفته شده است. ویرایش توسط یانوش سیمونیدس

* رقص روی اخگرهای آتش. به چالش کشیدن نژادپرستی در سازمان ها تینا لوپس و بار توماس، بین خطوط، تورنتو ۲۰۰۷

* رهبری فراگیر، جیمز رایان، ویلی ایمپرینت، سانفرانسیسکو، ۲۰۰۷

* تبدیل شدن به یک متحد، آن بیشاپ. انتشارات فرنوود هالیفاکس، ۱۹۹۷

چاپ شده توسط:

این کتاب راهنما توسط مگیستر - ویرجینیا آگارتز (امگا) گردآوری شده است و طراحی و نظارت شده توسط مگیستر نایاری کاستیلو - روتز (امگا گراتز) با مشارکت کلیه شرکای کنسرسیوم.

MultiPLUS پروژه ای است که توسط اتحادیه اروپا در Erasmus + تامین مالی

می شود

۲۰۲۰-۲۰۲۲

این کتاب راهنما سومین خروجی پروژه MultiPLUS+ است و توسط انجمن آموزش سیاسی اتریش تامین مالی شده است.

این پروژه ۵ موسسه را در ۵ کشور اروپایی در کنار امگا گراتز گردآورده است:

SLOVENSKA
FILANTROPIJA





انجمن اتریش
آموزش سیاسی



مولتی پلاس +

مولتی پلایرهای مهاجرا پل ارتباطی هستند

<https://www.multiplusproject.com>



Co-funded by the
Erasmus+ Programme
of the European Union

حمایت کمیسیون اروپا از تولید این نشریه به منزله تأیید مطالبی
کند و کمیسیون نیست که فقط نظرات نویسندگان را منعکس می
تواند در قبال هرگونه استفاده از اطلاعات موجود در آن نمی
مسئول باشد.

